



Developing Native Model for Empowering Rural Women According to Experts in the Southern Region of Isfahan Province

Saeideh Rashidi¹ <https://orcid.org/0009-0003-0737-374X> | Majid Yasouri² <https://orcid.org/0000-0002-8800-6196> | Samira Mahmoodi³ <https://orcid.org/0000-0002-8029-5552>

1. PhD in Geography and Rural Planning, Department of Geography and Rural Planning, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran. E-mail: Saeideh.rashidi1988@gmail.com

2. Corresponding Author, Professor, Department of Geography and Rural Planning, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran. E-mail: yasoori@um.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Geography and Rural Planning, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran. E-mail: Samir.mahmoodi65@gmail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received

Received in revised form

Accepted

Published online

Keywords:

Agency,

Empowering Rural Women,

Native Model,

Structure of Opportunity.

ABSTRACT

In order to identify barriers and effective factors in the empowerment of rural women and to develop a local model for this purpose, this study was conducted. The statistical population of this research consisted of experts in rural areas from the three counties of Semirom, Shahreza, and Dehaqan, who were intentionally chosen using the snowball method. Thematic analysis was employed to analyze the data that was collected through semi-structured interviews. The research literature was predominantly employed to enrich the analysis, compare the findings, and enhance the interpretive validity of the results, while the main and sub-themes were extracted from empirical data obtained through interviews. The study identified six barriers to empowering rural women, including a lack of financial access, loan and cost issues, negative attitudes towards women, a lack of expertise and skills, learning barriers, negligence, and psychological weakness. Additionally, six factors were identified, including access, credit allocation, the absence of gender discrimination, education and expertise, specialized training for women, and personal skills (axial coding). The results emphasize that the empowerment of rural women is a dual process that involves the development of individual agency and the bridging of the gap in access to critical resources and opportunities. Consequently, the implementation of policies that are designed to enhance the capacity to make decisions, expand access to financial and credit resources, develop entrepreneurial and skills-based training, and eliminate gender-based discrimination is necessary to achieve empowerment.

Cite this article: Author, A. A., Author, B. B., & Author, C. C. (year). Article title. *Journal Title*, 56 (1), 1-20. DOI: <http://doi.org/00000000000000000000>



© The Author(s).

DOI: <http://doi.org/0000000000000000000000>

Publisher: University of Tehran Press.



انتشارات دانشگاه تهران

زن در توسعه و سیاست

تدوین الگوی بومی توانمندسازی زنان روستایی از دیدگاه کارشناسان در ناحیه جنوب استان اصفهان

سعیده رشیدی^۱ | مجید یاسوری^۲ | سمیرا محمودی^۳

۱. دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران. رایانامه: Saeideh.rashidi1988@gmail.com
 ۲. نویسنده مسئول، استاد، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران. رایانامه: yasoori@um.ac.ir
 ۳. استادیار، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران. رایانامه: Samir.mahmoodi65@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: تاریخ بازنگری: تاریخ پذیرش: تاریخ انتشار: کلیدواژه‌ها: الگوی بومی، توانمندسازی زنان روستایی، ساختار فرصت، عاملیت.	این پژوهش با هدف شناسایی موانع و عوامل مؤثر در توانمندسازی و سپس تدوین یک الگوی بومی توانمندسازی زنان روستایی انجام گرفت. جامعه آماری شامل کارشناسان روستایی در سه شهرستان سمیرم، شهرضا و دهاقان بود که به صورت هدفمند و با روش گلوله‌برفی انتخاب شد. داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته جمع‌آوری و براساس روش تحلیل مضمون تحلیل شدند. مضامین اصلی و فرعی از داده‌های تجربی حاصل از مصاحبه‌ها استخراج شد و پیشینه پژوهش بیشتر برای غنی‌سازی تحلیل، مقایسه یافته‌ها و افزایش اعتبار تفسیری نتایج به کار رفت. براساس یافته‌های پژوهش، شش مانع عدم دسترسی مالی، مشکلات وام و هزینه‌ها، تفکرات منفی درمورد زنان، عدم تخصص و مهارت، موانع یادگیری، سهل‌انگاری و ضعف روحی و پنج عامل دسترسی‌ها، تخصیص اعتبارات، عدم تبعیض جنسیتی، آموزش تخصصی زنان و مهارت‌های شخصی در توانمندسازی زنان روستایی، شناسایی شد. نتایج نشان داد توانمندسازی زنان روستایی فرایندی چندبعدی است که از تعامل میان دسترسی به منابع اقتصادی، آموزشی و اجتماعی-فرهنگی با تقویت عاملیت فردی زنان شکل می‌گیرد؛ بنابراین، تحقق توانمندسازی مستلزم اتخاذ سیاست‌هایی در زمینه گسترش دسترسی به منابع مالی، توسعه آموزش‌های مهارتی و کارآفرینانه، تقویت توان تصمیم‌گیری و رفع تبعیض‌های جنسیتی است.

استناد: نام خانوادگی، نام؛ نام خانوادگی، نام؛ و نام خانوادگی، نام (سال). عنوان مقاله. عنوان مجله، ۲ (۴)، ۲۰-۱.

DOI: <http://doi.org/00000000000000000000000000000000>

© نویسندگان.

DOI: <http://doi.org/00000000000000000000000000000000>

ناشر: انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

گزارش‌های جهانی درمورد وضعیت زندگی زنان، تصاویر دردناکی درمورد ساعات کار زیاد، فقر، سطح پایین اشتغال و تحصیل و وضعیت اجتماعی نامناسب را به تصویر می‌کشد. اگرچه در برخی جوامع زنان همسطح و مساوی با مردان در نظر گرفته می‌شوند، ولی در بیشتر جوامع زنان شهروندان درجه دو هستند. حتی در کشورهای توسعه‌یافته که دارای بهترین وضعیت حقوق بشر هستند، مشارکت زنان در بیشتر ابعاد به حداقل رسیده است (Alibaygi & Taghibaygi, 2023: 93). در کشورهای درحال توسعه، زنان و دختران بخش زیادی از جمعیت جامعه روستایی را تشکیل می‌دهند و علی‌رغم داشتن نقش‌ها و وظایف مختلف، اغلب با چالش‌های اجتماعی-اقتصادی روبه‌رو هستند که مانع مشارکت کامل آن‌ها در فرایند توسعه می‌شود (UN Women, 2023) و زنان از تحصیلات، دستمزد، مالکیت و کنترل اقتصادی کمتری از مردان برخوردارند. این تبعیض در ابعاد مختلف، زندگی آنان را مختل می‌کند و سبب می‌شود دچار کمبود سلامت، آموزش، فرصت‌های کاری و کنترل بر زندگی و انتخاب‌های خود باشند (Saluja et al., 2023: 2). در نتیجه زنان اغلب از اشتغال، تحصیل، بهداشت و عدالت محروم می‌شوند و دسترسی آن‌ها به توسعه و توانمندی محدود می‌شود و با گوشه‌گیری و طردشدن مواجه می‌شوند (Isran & Isran, 2012: 840). دلیل اصلی این مسئله هنجارهای اجتماعی است. به‌منظور برابری ارزش هردو جنس و فراهم کردن توسعه کلی کشور، توانمندسازی زنان باید با سرعت زیادی پیش برود. توانمندسازی زنان با ریشه‌کن کردن تبعیض جنسیتی در نهادها و ساختارهای اجتماعی، در کنار مشارکت عادلانه زنان در فرایندهای تصمیم‌گیری خانگی و سیاست‌های عمومی مشخص می‌شود (Kumari et al., 2025: 26). توانمندسازی زنان به معنای آزادی تصمیم‌گیری و تأثیرگذاری بر زندگی خود و دیگران است. داشتن اختیار در زندگی به معنای توانایی هدایت منابع، فرصت‌ها و تصمیمات خود است. موانع تاریخی و ساختاری، اغلب استقلال و پتانسیل زنان را محدود کرده‌اند و این امر، این فرایند را در رابطه با مسئولیت‌های اجتماعی زنان، از اهمیت بیشتری برخوردار می‌سازد (Ben & Yadav, 2025: 325). زن توانمند می‌تواند ارزش خود را احساس کند، تغییرات اجتماعی خود و دیگران را انتخاب کند و بر آن تأثیر بگذارد. زنان به دلیل تبعیض جنسیتی با چالش‌های مختلفی روبه‌رو هستند: دستمزدهای کمتر در مقایسه با هم‌تایان مرد، فرصت‌های تحصیلی نابرابر، کار خانگی و ازدواج در سنین پایین. توانمندسازی زنان برای توسعه کلی هر کشوری، اعم از بهبود سلامت فردی، پیشرفت خانواده‌ها، توسعه اجتماعی، اقتصادی و ارتقای جامعه ضروری است. وقتی زنی توانمند می‌شود، این فرصت را به دست می‌آورد تا حقوق خود را درک کند و درباره آن صحبت و از جامعه حمایت کند. آن‌ها همچنین می‌توانند در جایگاه اجتماعی-اقتصادی ارتقا پیدا کنند و این را در نسل‌های آینده توسعه دهند (Tiwarei & Malati, 2023: 234). اساساً توانمندسازی زنان شامل ابعاد اقتصادی، اجتماعی و روانی است و مفهومی چندوجهی را نشان می‌دهد که

با هدف توانمندسازی زنان برای پیشرفت در جنبه‌های مختلف زندگی انجام می‌گیرد (Gothwal & Siwach, 2025: 100). توانمندسازی اقتصادی زنان فرایندی حیاتی برای تقویت برابری جنسیتی، بهبود رفاه اجتماعی و پیشبرد رشد اقتصادی پایدار است. این فرایند جنبه‌های مختلفی مانند دسترسی عادلانه به آموزش، فرصت‌های شغلی، منابع مالی، آزادی تحرک و مشارکت فعال در تصمیم‌گیری در سطوح خانگی و اجتماعی را دربرمی‌گیرد (Alayed & Alateeg, 2025: 3). توانمندسازی اجتماعی شامل توانایی زنان در به‌چالش کشیدن هنجارهای سنتی جنسیتی و مشارکت فعال در آموزش، مراقبت‌های بهداشتی و سازمان‌های اجتماعی است. شاخص‌های کلیدی توانمندسازی اجتماعی شامل آموزش باکیفیت و توسعه حرفة‌ای، کاهش خشونت و تبعیض مبتنی بر جنسیت، مشارکت در سازمان‌های اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی و آگاهی از حقوق باروری است (Kapoor, 2019: 127). توانمندسازی روان‌شناختی زنان به این معنا است که زنان اطمینان می‌یابند که قدرت، اعتمادبه‌نفس و دانش لازم را برای همکاری و تصمیم‌گیری و کمک به کسانی دارند که برای ایجاد تغییر و دگرگونی در جامعه خود دارای اهداف مشابه و یکسان هستند (Hibbas, 2022: 2). علی‌رغم تلاش‌های متعددی که برای توانمندسازی زنان انجام شده، هنوز چالش‌ها و موانع زیادی وجود دارد که سبب ایجاد مشکل در مسیر توانمندسازی زنان می‌شود. در بعد اقتصادی، این موانع شامل دسترسی محدود به منابع مالی (خدمات بانکی، مؤسسات مالی و فناوری دیجیتال)، دسترسی محدود به فرصت‌های آموزشی، نبود فرصت‌های شغلی برای زنان، هنجارهای فرهنگی و سنتی (تعدد وظایف خانه‌داری) (Sharma et al., 2025: 291) است. در بعد اجتماعی نیز مردسالاری در امور تصمیم‌گیری درمورد ازدواج، اعمال مذهبی و اجتماعی مانند حبس خانگی یا منزوی‌شدن زنان و تقسیم کار جنسیتی (مانند کارهای خانه و مسئولیت‌های مراقبت از کودکان) (Shohel et al., 2021: 4) می‌شود.

با توجه به مطالب فوق می‌توان نتیجه گرفت که برای ایفای نقش بیشتر زنان روستایی در توسعه محلی، باید آنان را توانمند ساخت و پیش‌زمینه این امر شناسایی عوامل و موانع مؤثر بر توانمندسازی زنان و ارائه الگوها و مدل‌هایی برای توانمندسازی آنها است. شناخت و درک الگوهای مؤثر بر توانمندسازی زنان در مناطق روستایی مهم است؛ زیرا بعد از تعیین شاخص‌های مؤثر در توانمندسازی می‌توان پیوند و ارتباط این شاخص‌ها را با توانمندسازی مشخص و پیوندهای جدید بین مسائل اساسی را در توانمندسازی برجسته کرد. همچنین می‌توان میزان اثرگذاری این شاخص‌ها را بر توانمندسازی معین و شواهد مهمی را برای مطالعات بیشتر یا سیاست‌گذاری ارائه کرد (Sell & Minot, 2018: 54). برای استفاده بهتر از این مدل‌ها و الگوهای موجود توانمندسازی در جهان باید آنها را شناسایی و براساس شرایط جامعه تعریف کرد. تدوین الگوی بومی توانمندسازی زنان روستایی، به‌عنوان ابزاری راهبردی در

برنامه‌ریزی توسعه روستایی، می‌تواند با ایجاد انسجام نهادی و هم‌افزایی میان سازمان‌های مرتبط، از تداخل و موازی‌کاری در اجرای برنامه‌های توانمندسازی جلوگیری کند. این الگو با اتکا بر شرایط مکانی، اجتماعی و زیست‌محیطی خاص مناطق روستایی، زمینه طراحی مداخلات هدفمند و متناسب با نیازهای واقعی زنان روستایی را فراهم می‌آورد و نقش آنان را در فرایند تصمیم‌گیری و مدیریت منابع تقویت می‌کند. از منظر نظری، کایبر توانمندسازی را فرایندی می‌داند که از طریق دسترسی به منابع، افزایش عاملیت و مشارکت مؤثر در تصمیم‌گیری‌ها را محقق می‌کند (Kabeer, 2002: 441). به‌کارگیری الگوها و مدل‌های جهانی توانمندسازی، به‌دلیل مسائل سیاسی، ایدئولوژیک و مذهبی در ایران مقدور نیست و باید یک الگوی جایگزین و بومی، با توجه به شرایط و مقتضیات جامعه ایرانی جستجو کرد. به‌کارگیری روش‌ها و تجارب دیگران، بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های بین جوامع، فرهنگ‌ها و فضاها، نمی‌تواند در این جوامع توسعه پایدار بیافریند؛ بنابراین، باید به دنبال بومی‌سازی و انطباق الگوها و روش‌های بیرونی توسعه با شرایط درونی جامعه محلی و تقویت الگوها و روش‌های بومی متناسب با جریان توسعه باشیم.

مناطق روستایی شهرستان‌های سمیرم، شهرضا و دهاقان، در جنوب استان اصفهان، از نواحی مهم روستایی کشور محسوب می‌شوند که اقتصاد آن‌ها عمدتاً بر کشاورزی، باغداری، دامداری، صنایع دستی و فعالیت‌های خرد روستایی استوار است. با وجود ظرفیت‌های قابل توجه طبیعی، اقتصادی و انسانی در این منطقه، زنان روستایی همچنان با چالش‌های متعددی نظیر محدودیت دسترسی به اعتبارات و تسهیلات مالی، ضعف آموزش‌های مهارتی و کارآفرینی، محدودیت دسترسی به بازارهای فروش، کمبود فرصت‌های اشتغال پایدار و مشارکت محدود در نهادهای تصمیم‌گیری محلی مواجه‌اند (Movahedi et al., 2019: 165). علاوه بر این، برخی عوامل فرهنگی و نگرش‌های سنتی موجود در جوامع روستایی می‌تواند بر میزان مشارکت اجتماعی و اقتصادی زنان تأثیرگذار باشد. از سوی دیگر، توسعه فناوری‌های ارتباطی، گسترش آموزش‌های مهارتی، افزایش سطح سواد زنان، توسعه کسب‌وکارهای خانگی، تعاونی‌های روستایی و حمایت‌های نهادهای دولتی و غیردولتی، فرصت‌های جدیدی را برای ارتقای توانمندی زنان روستایی فراهم کرده است (Akbari Torkamani, 2018: 31-32). بهره‌گیری مؤثر از این ظرفیت‌ها مستلزم شناخت دقیق عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان و درک روابط میان این عوامل در بستر محلی منطقه مورد مطالعه است. مرور پیشینه نشان می‌دهد مطالعات متعددی در زمینه توانمندسازی زنان روستایی در استان اصفهان انجام شده است، اما بیشتر این پژوهش‌ها بر ابعاد اقتصادی، اجتماعی یا روان‌شناختی تمرکز داشته‌اند و کمتر پژوهشی به طراحی یک الگوی جامع و بومی توانمندسازی زنان روستایی در جنوب استان اصفهان پرداخته است. همچنین تاکنون مدلی که بتواند هم‌زمان ظرفیت‌ها، موانع و سازوکارهای مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی شهرستان‌های سمیرم، شهرضا و دهاقان را

تبیین کند، ارائه نشده است. این خلأ پژوهشی ضرورت مطالعه‌ای جامع را برای شناسایی موانع، عوامل مؤثر و تدوین الگوی بومی توانمندسازی زنان روستایی آشکار می‌سازد. با توجه به مطالعات صورت گرفته و اهمیت شناخت موانع و عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی در ناحیه جنوب استان اصفهان، پژوهش حاضر با هدف شناسایی موانع مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی، تبیین مهم‌ترین عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناختی مؤثر بر این فرایند و در نهایت ارائه الگوی بومی توانمندسازی متناسب با شرایط شهرستان‌های سمیرم، شهرضا و دهقان انجام گرفت. نتایج این پژوهش می‌تواند مبنایی علمی برای سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های توسعه روستایی مبتنی بر توانمندسازی زنان در منطقه مورد مطالعه فراهم سازد؛ بنابراین پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به سؤالات زیر است:

موانع مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی در وضعیت فعلی منطقه مورد مطالعه کدام‌اند؟
مهم‌ترین عوامل مؤثر در توانمندسازی زنان روستایی در منطقه مورد مطالعه کدام‌اند؟
الگوی مناسب برای توانمندسازی زنان روستایی با توجه به شرایط منطقه مورد مطالعه کدام است؟

۲. پیشینه پژوهش

۲-۱. پیشینه نظری

توانمندسازی از دهه ۱۹۷۰ به عنوان یکی از مفاهیم کلیدی در مطالعات توسعه اقتصادی و اجتماعی مطرح شد و ریشه در اندیشه‌های عدالت اجتماعی، برابری، حق انتخاب و مشارکت در تصمیم‌گیری دارد (Drioui & Bakass, 2021: 327). این مفهوم در فرهنگ آکسفورد به معنای تواناساختن، افزایش قدرت انتخاب، خودتکایی و اعطای اختیار تعریف شده است و به فرایندی اشاره دارد که طی آن، افراد از وضعیت ناتوانی به کسب قدرت، اختیار و کنترل بر زندگی خود دست می‌یابند (Jahanbin et al., 2021: 49). از این دیدگاه، توانمندسازی با گسترش فرصت‌های انتخاب، افزایش کنترل بر منابع و تقویت ظرفیت تصمیم‌گیری، امکان انتخاب‌های راهبردی را برای افراد فراهم می‌سازد (Akte et al., 2024: 938). در حوزه مطالعات جنسیت، مفهوم توانمندسازی زنان از دهه ۱۹۷۰ با هدف تحقق برابری جنسیتی، عدالت اجتماعی، رفع تبعیض، افزایش مشارکت زنان در فرایندهای تصمیم‌گیری و تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های حساس به جنسیت مورد توجه قرار گرفت (Abdelmoaty et al., 2021: 6). توانمندسازی زنان مفهومی چندبعدی است که ابعاد فردی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را دربرمی‌گیرد و بر تقویت قدرت تصمیم‌گیری، استقلال اقتصادی، حمایت قانونی و توسعه ظرفیت‌های درونی و جمعی زنان تأکید دارد (Astutik et al., 2020: 4). مطالعات نشان می‌دهد توانمندسازی زنان علاوه بر ارتقای عدالت اجتماعی و کاهش نابرابری‌های جنسیتی، نقش مؤثری در کاهش فقر، رشد اقتصادی، توسعه پایدار و افزایش

مشارکت زنان در فرایندهای توسعه ایفا می کند (Nath et al., 2024: 2). توانمندسازی زنان در سطوح مختلف اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و روانی تحقق می یابد.

۲-۱-۱. عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر توانمندسازی زنان

توانمندسازی اقتصادی زنان به معنای افزایش دسترسی و کنترل آنان بر منابع و فعالیتهای اقتصادی است که از طریق دسترسی به نهادهای و فناوریهای نوین، بازارهای محلی و مالی (رسمی و غیررسمی) و فرصتهای اشتغال و درآمدزایی محقق می شود (Balasubramanian et al., 2024: 2). در این چارچوب، زنان توانمند تمایل بیشتری به سرمایه گذاری در آموزش و سلامت فرزندان دارند و در توسعه پایدار جوامع نقش مؤثرتری ایفا می کنند. همچنین مشارکت آنان در بازار کار موجب افزایش تنوع اقتصادی، بهره وری و نوآوری می شود (Showkat et al., 2025: 3). عوامل اقتصادی مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی شامل درآمد، پس انداز، دسترسی و کنترل بر بازار، سرمایه، اعتبارات و منابع تولیدی است که با افزایش تقاضا برای محصولات زنان، زمینه رشد اشتغال و افزایش مشارکت آنان در تصمیم گیری های خانوادگی و اجتماعی فراهم می شود (Ghimire et al., 2024: 2; Katsektor, 2024: 3). در این میان، توسعه صنایع دستی نیز به عنوان یکی از ظرفیتهای مهم اقتصادی، نقش مؤثری در ایجاد اشتغال و افزایش درآمد و کاهش بیکاری زنان روستایی دارد (Bagheri et al., 2025: 272). در بعد اجتماعی، توانمندسازی زنان به ارتقای ظرفیت آنان برای مشارکت فعال در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی عادلانه اشاره دارد و از طریق دسترسی برابر به منابع و فرصتها، پیامدهای مثبت فردی و جمعی دارد. سرمایه گذاری در آموزش و مهارت آموزی موجب افزایش سواد، ارتقای آگاهی و بهبود فرصتهای شغلی و مدیریتی زنان می شود (Bushra & Wajiha, 2015: 4). همچنین افزایش آگاهی از حقوق قانونی، از جمله حقوق مالکیت، ارث، ازدواج و مقابله با خشونت، نقش مهمی در تقویت توانمندی اجتماعی زنان دارد (Tabassum et al., 2019: 2). علاوه بر این، افزایش سلامت زنان، تضمین دسترسی به خدمات مراقبت های بهداشتی و حمایت از حقوق باروری با تقویت رفاه و بهره وری زنان، در توسعه جامعه نقش دارد (Ogbari, 2024: 6). همچنین از عوامل اجتماعی مؤثر در توانمندسازی زنان روستایی می توان به حمایت اجتماعی اشاره کرد که شامل پشتیبانی خانواده، دوستان و شبکه های اجتماعی در مواجهه با مشکلات، نقش مهمی در افزایش تاب آوری و توانمندی زنان ایفا می کند (Sarker et al., 2024: 2).

۲-۱-۲. ابعاد توانمندسازی روان‌شناختی زنان

توانمندسازی روان‌شناختی به‌عنوان یکی از ابعاد اساسی توانمندسازی زنان، یک ساختار انگیزشی چندبعدی است که شامل معنا، شایستگی، خودتعیینی و تأثیرگذاری می‌شود (Oliveira et al., 2023: 78). این ابعاد به‌ترتیب بیانگر احساس ارزشمندی اهداف، باور به توانایی انجام‌دادن موفق وظایف، استقلال در تصمیم‌گیری و ادراک اثرگذاری بر نتایج و پیامدهای فردی و اجتماعی است. شایستگی به میزان مهارت فرد در انجام‌دادن وظایف و معنا به ارزش و اهمیت اهداف در چارچوب آرمان‌های فردی اشاره دارد (Llorente-Alonso et al., 2024: 1760). در این میان، خودکارآمدی نیز به‌عنوان یکی از سازه‌های محوری، با افزایش پشتکار، حل مسئله و توانایی مقابله با چالش‌ها، نقش مهمی در ارتقای توانمندسازی ایفا می‌کند (Khedri et al., 2020: 332; Bandura, 1999). علاوه‌براین، شواهد پژوهشی نشان می‌دهد تقویت انگیزه، اعتمادبه‌نفس، عزت‌نفس و خودباوری، ظرفیت زنان را برای دفاع از حقوق خود، کنترل بر منابع، تصمیم‌گیری مستقل و مشارکت فعال در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی افزایش می‌دهد (Goldstein et al., 2024: 3; Baqutayan, 2024: 378; Guler et al., 2022: 1486; Fallsoleyman, 2023: 6; Karimivakil et al., 2018: 139; Qanbari & Ansari, 2015: 41). بنابراین، توانمندسازی روان‌شناختی با تقویت سرمایه روانی و ادراک کنترل فردی، زمینه‌ساز افزایش عاملیت، استقلال و مشارکت پایدار زنان در فرایندهای توسعه است.

۲-۱-۳. موانع و چالش‌های پیش روی توانمندسازی زنان

در بسیاری از کشورهای درحال توسعه، توانمندسازی زنان با مجموعه‌ای از موانع ساختاری، اجتماعی، اقتصادی و روانی مواجه است. هنجارهای فرهنگی و سلطه الگوهای مردسالارانه همچنان نقش تعیین‌کننده‌ای در محدودسازی مشارکت زنان ایفا می‌کند (Ghimire et al., 2024: 2). همچنین محدودیت در دسترسی به آموزش‌های رسمی و مهارت‌محور، پایین بودن سطح تحصیلات، ضعف سواد دیجیتال، به‌ویژه در مناطق روستایی و کمبود برنامه‌های توانمندساز متناسب با استعدادهای زنان، از چالش‌های اساسی محسوب می‌شود (Menhas et al., 2013: 4; Darji, 2025: 35). ضعف در شناخت بازار، نبود مهارت‌های بسته‌بندی و بازاریابی و عدم انطباق با استانداردهای تولید نیز توان رقابتی زنان را در فعالیت‌های اقتصادی کاهش می‌دهد (Ahmadizadeh & Mostaan, 2017: 196). از منظر اقتصادی، عواملی مانند محدودیت دسترسی به منابع مالی و اعتباری، مشکلات دریافت و بازپرداخت وام، نرخ بالای بهره، نبود وثیقه مناسب و ضعف نظارت بر تسهیلات، مانع استقلال مالی زنان شده است (Bravo, 2024:).

همچنین هزینه‌های بالای حمل و نقل، محدود بودن فرصت‌های شغلی و شرایط دشوار محیط کار، مشارکت اقتصادی آنان را محدود می‌کند (Kombe, 2023: 2; Hosseini & Asghari, 2021: 93). در بعد اجتماعی و روانی نیز بی‌اعتمادی جنسیتی، ضعف فرهنگ مشارکت و تعاون و کاهش اعتماد به نفس و انگیزه در میان برخی زنان، از موانع مهم توانمندسازی به‌شمار می‌رود (Norouzi & Amini, 2025: 16; Jalali et al., 2024: 73). به‌طور کلی، تعامل این عوامل چندلایه، فرایند توانمندسازی زنان را با پیچیدگی‌های قابل توجهی مواجه ساخته است.

در میان نظریه‌های مرتبط با توانمندسازی زنان، نظریه نایلا کبیر از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است. کبیر توانمندسازی را فرایندی تعریف می‌کند که در آن، کسانی که از توانایی تصمیم‌گیری‌های راهبردی در زندگی محروم بوده‌اند، چنین توانایی‌ای را به دست می‌آورند (Pande et al., 2025: 2). این فرایند مستلزم غلبه بر موانع ساختاری و نابرابری‌های نظام‌مند است که عاملیت افراد را محدود می‌سازد و دسترسی آنان به منابع و فرصت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این چارچوب، کبیر سه مؤلفه درهم‌تنیده شامل منابع، عاملیت و دستاوردها را به‌عنوان بنیان‌های توانمندسازی معرفی می‌کند. از نظر کبیر، توانایی اعمال انتخاب‌ها، شامل سه بعد مرتبط و غیرقابل تفکیک است: منابع، عاملیت و دستاوردها (Haque et al., 2024: 4299). منابع اولین مؤلفه است شامل سرمایه‌های مادی، انسانی و اجتماعی نظیر آموزش، اشتغال، ثروت و شبکه‌های ارتباطی که پیش‌شرط اساسی توانمندسازی محسوب می‌شوند (Kabeer, 2002: 20). مؤلفه دوم عاملیت است. عاملیت به توانایی زنان در اتخاذ تصمیم‌های آگاهانه، اعمال انتخاب‌های راهبردی و کنترل منابعی اشاره دارد که بر زندگی آنان اثرگذار است (Woyo et al., 2025: 2705). تعامل منابع و عاملیت، قابلیت‌هایی را شکل می‌دهد که به معنای توان افراد برای دستیابی به شیوه مطلوب زندگی و تحقق اهداف ارزشمند است (Kabeer, 1999: 4). باین‌حال، ساختارهای اجتماعی و هنجارهای مردسالارانه می‌تواند با محدودسازی دسترسی زنان به منابع و تضعیف عاملیت آنان، فرایند توانمندسازی را مختل کند. از این‌رو، صرف دسترسی به منابع برای توانمندسازی کافی نیست و تغییرات فرهنگی و نهادی نیز ضرورت دارد (Albornoz-Arias et al., 2025: 4). درنهایت، دستاوردها به‌عنوان پیامدهای تحقق‌یافته انتخاب‌ها و اعمال عاملیت تعریف می‌شوند و بیانگر میزان تحقق ظرفیت‌ها و نتایج حاصل از کنش افراد هستند (Kabeer, 2002: 438). در این رویکرد، توانمندسازی نه‌تنها در سطح دسترسی به منابع و اعمال عاملیت، بلکه در سطح پیامدهای واقعی و تغییرات ملموس در زندگی زنان قابل‌ارزیابی است.

از نظریات مرتبط با توانمندسازی زنان می‌توان به نظریه آلسوپ و هینسون اشاره کرد. این نظریه شامل دو بعد عاملیت و ساختار فرصت است. عاملیت به توانایی افراد برای اتخاذ تصمیمات معنادار و

اعمال انتخاب‌های آگاهانه اشاره دارد؛ به گونه‌ای که کنشگر بتواند در مواجهه با گزینه‌های مختلف، تصمیم‌گیری مؤثر داشته باشد. این بعد از توانمندسازی، که به منزله ظرفیت انتخاب نیز شناخته می‌شود، قابل‌سنجش است و از طریق مجموعه‌ای از ابزارها تقویت می‌شود، از جمله اصلاح ساختارهای اجتماعی (مانند ارتقای دسترسی زنان به آموزش عالی، افزایش سطح سواد و بهبود وضعیت تحصیلی)، ساختارهای قانونی (از جمله حق دسترسی به منابع، حق انتخاب، حق طلاق و حمایت‌های قانونی) و ساختارهای اقتصادی (مانند مشارکت زنان در بازار کار، اشتغال در مشاغل با درآمد بالا و حضور در مناصب مدیریتی) (Malhotra et al., 2002: 8-9). برای اندازه‌گیری عاملیت از دارایی به عنوان شاخص سنجش استفاده می‌شود. این دارایی‌ها شامل دارایی‌های انسانی، مادی، اجتماعی، اطلاعاتی، سازمانی و روان‌شناختی هستند. در مقابل، ساختار فرصت به زمینه‌های رسمی و غیررسمی‌ای اشاره دارد که کنشگران در بستر آن‌ها فعالیت می‌کنند. این ساختار از طریق نهادهای، قوانین، مقررات و هنجارهای اجتماعی شکل می‌گیرد و تعیین می‌کند افراد تا چه اندازه به منابع دسترسی و امکان بهره‌برداری از آن‌ها را دارند. در این چارچوب، پیامد انتخاب‌های فردی نیز در تعامل با این ساختارها معنا می‌یابد. سنجش ساختار فرصت مستلزم تحلیل کارکرد نهادهای رسمی و غیررسمی و میزان اثرگذاری آن‌ها بر دسترسی و بهره‌مندی از منابع است (Alsop & Heinsohn, 2005: 8). در مجموع، تعامل میان عاملیت و ساختار فرصت، سطوح مختلف توانمندسازی را در جامعه شکل می‌دهد.

۲-۱-۴. مدل‌ها و الگوهای توانمندسازی زنان روستایی

در مطالعات توانمندسازی زنان روستایی، مدل‌های متعددی با رویکردهای نظام‌مند برای ارتقای مهارت‌ها، دانش و استقلال اقتصادی و اجتماعی ارائه شده است. یکی از این رویکردها مدل توانمندسازی اقتصادی مبتنی بر توسعه مهارت‌های زندگی است که با بهره‌گیری از پژوهش عملی مشارکتی، توسعه اجتماعی مبتنی بر دارایی، تحقیقات مشارکتی جامعه‌محور و بوم‌مدل کسب‌وکار، بر مشارکت فعال ذی‌نفعان در تمامی مراحل توانمندسازی تأکید دارد. این مراحل شامل اطلاع‌رسانی، توسعه ابزارهای کاری، مشارکت، انتشار نتایج و پایش و ارزیابی است و با هدف ارتقای استقلال اقتصادی و اجتماعی زنان طراحی شده است (Wuryan et al, 2025: 63). در برخی رویکردها، نقش الگوهای زنانه در تغییر هنجارهای اجتماعی و به‌چالش کشیدن کلیشه‌های جنسیتی برجسته شده است؛ به گونه‌ای که این الگوها از طریق بازتعریف توانمندی زنان، به صورت مستقیم و غیرمستقیم، فرایند توانمندسازی را تقویت می‌کند.

(Lecoutere et al., 2023: 3). همچنین مدل هاندوکو، مروه و آرداناریسوا^۱ با تمرکز بر زنان روستایی در مناطق کمتر توسعه یافته، چالش‌هایی نظیر ناپایداری درآمد، محدودیت دسترسی به اعتبارات و وابستگی به منابع غیررسمی را شناسایی می‌کند و موانعی مانند ضعف هماهنگی نهادی، مشارکت اندک اجتماعی، وابستگی به الگوهای سنتی و محدودیت‌های جغرافیایی را مورد توجه قرار می‌دهد. این مدل بر رویکرد مشارکتی و هماهنگی نهادی در فرایند توانمندسازی تأکید دارد. همچنین الگوی سازمان ملل در فرایند توانمندسازی زنان روستایی شامل مراحل شناخت جامعه محلی، تحلیل مسائل، شناسایی رهبران، افزایش آگاهی از چالش‌ها، اولویت‌بندی مسائل، تقویت اعتماد به نفس، تصمیم‌گیری جمعی، شناسایی منابع و در نهایت ارتقای خودتکایی است (Handoko et al., 2012: 197-200). در مجموع، این مدل‌ها بر مشارکت فعال، تقویت عاملیت زنان، هماهنگی نهادی و تغییر نگرش‌های جنسیتی به عنوان ارکان کلیدی توانمندسازی تأکید دارند.

۲-۲. پیشینه تجربی

قزلباش و صفا (۱۴۰۳) در «واکاوی عامل‌های بازدارنده توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی مورد مطالعه: شهرستان طارم» به این نتیجه رسیدند که نبود حمایت‌های دولتی مانند وام و تسهیلات بانکی کافی برای زنان، عدم دسترسی زنان به بازار فروش محصولات تولیدی، مالکیت ضعیف زنان بر منابع تولید مانند زمین، کم‌بودن مهارت‌های فنی و شغلی و تخصص زنان، نبود انگیزه و کم‌بودن اعتماد به نفس زنان، فرهنگ مردسالاری، ریسک‌پذیری اندک زنان، نداشتن پشتکار، روحیه ضعیف خلاقیت زنان روستایی، از مهم‌ترین موانع توانمندسازی زنان روستایی است. تیزچنگ و همکاران (۱۴۰۲) در «فراتحلیل مطالعات توانمندسازی اقتصادی زنان و دلالت‌های فرهنگی و اجتماعی آن در ایران»، نشان دادند در حوزه توانمندسازی زنان دسترسی به منابع مالی، سرمایه‌گذاری‌ها، ارائه وام‌های بانکی، آموزش‌های مهارتی، آموزش‌های شهروندی، مدیریت مالی و بازاریابی در توسعه و بهبود جایگاه زنان نقشی اساسی دارد. عظیمی و همکاران (۱۴۰۱) در مطالعه «طراحی الگویی برای توانمندسازی زنان روستایی شهرستان کرمانشاه» به این نتیجه رسیدند که نقاط ضعف برنامه‌های توانمندسازی شامل اولویت‌نداشتن زنان در برنامه‌ها، فراهم‌نبودن شرایط برای راه‌اندازی کسب‌وکار زنان، محدودیت منابع مالی و اعتبارات، دسترسی اندک به منابع و اعتماد به نفس ضعیف زنان روستایی، ضعف سازمان‌ها و تشکلهای مربوط به زنان و کمبود زیرساخت‌ها است. مهم‌ترین نقاط قوت برنامه‌های توانمندسازی زنان روستایی هم توجه به

1. Handoko, Marwah, & Ardhanariswari

آموزش و تحصیلات آنان بوده است. مهم‌ترین راهکارها و اقدامات در این پژوهش برای توانمندسازی زنان روستایی شامل شناخت وضع موجود، آموزش، تقویت مهارت‌های آنان، تشکیل صندوق‌های اعتباری، تغییر رویکرد برنامه‌ریزی برای زنان، از رویکرد متمرکز به مشارکتی، کاهش تبعیض و فرهنگ‌سازی حضور زنان در جامعه و دوری از تصورات غلط و سنتی درمورد زنان است. در مطالعه موسوی و همکاران (۱۴۰۰) با عنوان «ارائه مدل ترکیبی توانمندسازی برای زنان» مشخص شد سه عامل اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و روان‌شناختی در توانمندسازی زنان اهواز نقش دارند. بعد روان‌شناختی شامل افزایش اعتمادبه‌نفس، عزت‌نفس می‌شود، بعد اجتماعی و فرهنگی شامل آگاهی، اعتماد، تعامل اجتماعی، آموزش مهارت‌های فردی و مهارت‌های فنی و حرفه‌ای، برگزاری دوره‌های تسهیلگری است و بعد اقتصادی شامل آموزش در اشتغال و کارآفرینی، بازاریابی و چگونگی راه‌اندازی کسب‌وکار می‌شود. حسین‌پور برنج‌آباد (۱۴۰۰) در «بررسی عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان» نشان دادند اعتماد به خود، احساس معناداری، مؤثر بودن، عوامل اقتصادی و خانوادگی، به‌ترتیب در توانمندسازی زنان نقش مؤثری داشته‌اند. در مطالعه عباس‌زاده و بوداکی (۱۳۹۹) با عنوان «مدل‌سازی عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان استان آذربایجان شرقی» مشخص شد مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و فرهنگی، روان‌شناختی، اقتصادی بر توانمندسازی زنان معنادار بوده و توانمندی زنان بیش از هرچیز متأثر از مؤلفه‌های روان‌شناختی بوده است. عربخانی و همکاران (۱۳۹۸) در «تدوین مدل مفهومی توانمندسازی زنان روستایی با استفاده از نظریه داده‌بنیان؛ مطالعه موردی: دهستان عشق‌آباد شهرستان نیشابور» توضیح دادند که عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی شامل آموزش و ظرفیت‌سازی، عوامل اقتصادی (وام و طرح‌های درآمدزایی، ایجاد تعاونی‌های متعدد و...) و عوامل اجتماعی (ایجاد تشکلهای زنان) بوده است. پالاش و همکاران^۱ (۲۰۲۴) در مقاله «توانمندسازی اقتصادی زنان: شواهدی از جوامع ماهیگیری ساحلی بنگلادش» نشان دادند ابتکارات نه‌تنها موجب ایجاد رفاه اقتصادی می‌شود، بلکه به توانمندسازی زنان نیز کمک می‌کند. دسترسی مالی، بهبود سوادآموزی و ایجاد محیطی مناسب برای مشارکت مؤثر زنان، نابرابری جنسیتی را در جوامع ماهیگیری کاهش می‌دهد. کومار^۲ (۲۰۲۳) در مطالعه «توانمندسازی زنان هندی در قرن بیست‌ویکم» به این نتیجه رسیدند که بهترین راه برای دستیابی به برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان، کاهش وظایف خانه‌داری، دسترسی به فرصت‌های شغلی جدید، داشتن هدف در کسب‌وکار، افزایش درآمد، سرمایه‌گذاری، افزایش سطح سواد و تحصیلات زنان، افزایش مهارت‌های زنان و دسترسی به منابع مالی است. کوما و گودانا^۳ (۲۰۲۳) در بررسی «عوامل مؤثر بر

1. Palash et al.

2. Kumar

3. Kuma & Godana

توانمندسازی زنان روستایی در ولایتی اتیوپی» دریافتند تحصیلات، نگرش به توانمندسازی اقتصادی، انگیزه، نوآوری و خلاقیت، مدیریت کارها، درآمد، مشارکت در تصمیم‌گیری، تأثیر مثبت و معناداری بر توانمندسازی اقتصادی زنان دارد. کایوم و بشیر^۱ (۲۰۲۲) در بررسی «موانع فرهنگی و اجتماعی در توانمندسازی زنان در مناطق روستایی فیصل‌آباد» نشان دادند سواد و اشتغال اندک، عدم مشارکت زنان در فعالیتهای بیرون از خانه، عدم دسترسی به حقوق مالکیت زمین، دسترسی محدود به اعتبارات و تسهیلات بانکی، فرهنگ مردسالاری و تفکرات سنتی، مهم‌ترین موانع فرهنگی توانمندسازی زنان روستایی بوده است. اوبی^۲ (۲۰۲۱) در مطالعه «موانع اجتماعی-فرهنگی بر سر راه توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی از طریق کارآفرینی کشاورزی» توضیح داد که سنت‌ها و آداب‌ورسوم رایج در جوامع روستایی، پیوندهای خانوادگی و مسئولیت‌های خانه‌داری، کمبود آموزش، عدم حمایت خانواده، ازدواج زودهنگام، عدم دسترسی به روش‌های تولید و بازاریابی، فرهنگ مردسالاری، نداشتن آگاهی اجتماعی، عدم دسترسی به نوآوری و فناوری، نبود دسترسی به منابع مالی، وام و پس‌انداز، از مهم‌ترین موانع توانمندسازی زنان روستایی بوده است. آگوستینا و گویریا^۳ (۲۰۱۹) در مقاله «الگوی توانمندسازی زنان در تقویت وضعیت اجتماعی-اقتصادی خانواده» به این نتیجه رسیدند که عوامل متعددی در تعیین وضعیت اجتماعی-اقتصادی زنان نقش دارند که عبارت‌اند از: تحصیلات، درآمد و میزان مالکیت بر منابع و اراضی.

با بررسی و جمع‌یافته‌های پژوهش‌های داخلی و خارجی، عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان را می‌توان در سه بعد اصلی اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و روان‌شناختی دسته‌بندی کرد. این دسته‌بندی نشان می‌دهد توانمندسازی زنان پدیده‌ای چندبعدی است و تحقق آن مستلزم توجه هم‌زمان به ابعاد مادی، اجتماعی و فردی است. در بعد اقتصادی، دسترسی به منابع مالی، اعتبارات و وام‌های بانکی، مالکیت بر منابع تولید، اشتغال، کارآفرینی، افزایش درآمد، بازاریابی و توسعه فرصت‌های کسب‌وکار از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان شناخته شده‌اند. در مقابل، محدودیت منابع مالی، ضعف حمایت‌های دولتی و دسترسی محدود به بازار از مهم‌ترین موانع این فرایند به‌شمار می‌رود (Arabkhani et al., 2019; Agustina & Choiriyah, 2019; Mousavi et al., 2021; Obi, 2021; Azimi et al., 2022; Qayyum & Bashir, 2022; Kumar, 2023; Palash et al., 2024; Tizchang et al., 2024; Ghezelbash & Safa, 2024). در بعد اجتماعی-فرهنگی، آموزش، ارتقای سواد و مهارت، سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی و تصمیم‌گیری، حمایت خانواده و جامعه، ایجاد تشکلهای زنان و کاهش تبعیض جنسیتی از مهم‌ترین عوامل تسهیل‌کننده توانمندسازی زنان محسوب می‌شود. در

1. Qayyum & Bashir

2. Obi

3. Agustina & Choiriyah

مقابل، فرهنگ مردسالاری، نگرش‌های سنتی، محدودیت مشارکت اجتماعی و کمبود آموزش از مهم‌ترین موانع این حوزه هستند (Abbaszadeh & Boudaghi, 2020; Mousavi et al., 2021; Obi, 2021; Qayyum & Bashir, 2022; Azimi et al., 2022; Kumar, 2023; Kuma & Godana, 2023; Tizchang et al., 2024; Ghezelbash & Safa, 2024). در بعد روان‌شناختی نیز پژوهش‌ها بر نقش تعیین‌کننده اعتماد به نفس، عزت نفس، خودکارآمدی، انگیزه، احساس اثربخشی، خلاقیت، نوآوری، پشتکار و ریسک‌پذیری در توانمندسازی زنان تأکید دارند و ضعف این مؤلفه‌ها را از مهم‌ترین موانع توانمندسازی معرفی کرده‌اند. همچنین شواهد نشان می‌دهد عوامل روان‌شناختی در بسیاری از موارد تأثیری قوی‌تر از سایر ابعاد بر توانمندسازی زنان دارد (Abbaszadeh & Boudaghi, 2020; Hosseinpour Berenjabad, 2021; Mousavi et al., 2021; Azimi et al., 2022; Kuma & Godana, 2023; Ghezelbash & Safa, 2024). بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد توانمندسازی زنان از طریق رویکردی جامع و یکپارچه قابل تحقق است؛ رویکردی که هم‌زمان ظرفیت‌های اقتصادی، زمینه‌های اجتماعی-فرهنگی و ویژگی‌های روان‌شناختی زنان را تقویت کند؛ به‌گونه‌ای که بر تقویت مهارت‌ها، افزایش دسترسی به منابع مالی و بازار، تقویت سرمایه‌های اجتماعی و روان‌شناختی، اصلاح نگرش‌ها و هنجارهای فرهنگی، بهبود سیاست‌های حمایتی و گسترش فرصت‌های مشارکت اقتصادی و اجتماعی زنان تمرکز داشته باشد. با این حال، مرور مطالعات فوق نشان می‌دهد اغلب پژوهش‌ها هریک از این ابعاد را به‌صورت مجزا بررسی کرده‌اند و کمتر مطالعه‌ای به تحلیل هم‌زمان و یکپارچه این سه بعد پرداخته است. از این رو، بررسی هم‌افزایی این ابعاد می‌تواند به تبیین دقیق‌تر فرایند توانمندسازی زنان و طراحی سیاست‌ها و برنامه‌های تأثیرگذار کمک کند. همچنین با وجود اشتراک قابل توجه یافته‌های مطالعات پیشین، بررسی‌ها نشان می‌دهد نقش هم‌زمان این ابعاد در بسیاری از مناطق و بافت‌های محلی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. به این ترتیب پژوهش‌های بومی و متناسب با ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی هر منطقه می‌تواند به ارائه راهکارهای اثربخش‌تر برای ارتقای توانمندسازی اقتصادی زنان منجر شود.

۳. روش‌شناسی

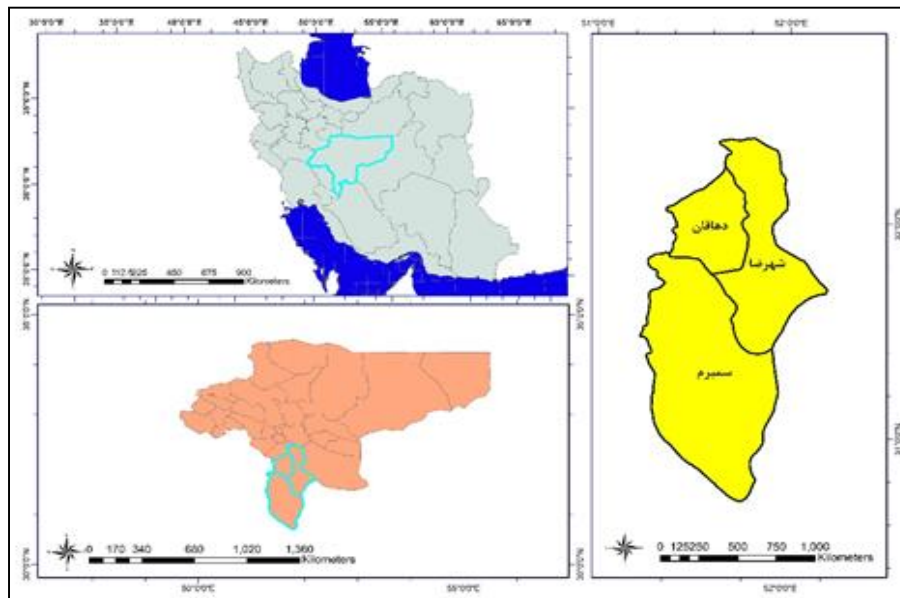
در این مطالعه، برای پاسخگویی به پرسش‌های تحقیق، تحلیل مضمون به‌کار گرفته شد. تحلیل مضمون رویکردی نظام‌مند برای تحلیل داده‌های کیفی است که با تبدیل داده‌های پراکنده به سطوح تفسیری، امکان شناسایی الگوها و معانی نهفته در داده‌ها را فراهم می‌سازد. در این روش، مضمون به‌عنوان الگوی معنادار تکرارشونده در داده‌ها تعریف می‌شود که می‌تواند از سطح توصیف تا تفسیر عمیق پدیده را

دربگیرد (Akbarpour et al., 2023: 80). در این پژوهش در روش تحلیل مضمون، از منابع اطلاعاتی مختلفی استفاده شد که به دو دسته تقسیم شدند. منابع گروه اول، شامل مشاهده و مصاحبه بود. منابع گروه دوم، شامل پیشینه پژوهش (مطالعات پژوهشی، مقالات نظری) بود. در روش تحلیل مضمون، در مرحله نخست، متن مصاحبه‌ها و سایر داده‌های گردآوری شده به صورت مکرر مطالعه شد تا پژوهشگر به درک عمیقی از محتوای داده‌ها دست یابد. سپس واحدهای معنایی مرتبط با سؤال‌های پژوهش شناسایی و کدگذاری اولیه انجام شد. کدهای مشابه یا مرتبط در قالب مضامین پایه طبقه‌بندی شدند. مضامین پایه بیانگر مفاهیم اولیه و معانی استخراج شده از داده‌ها هستند و نزدیک‌ترین سطح به متن خام محسوب می‌شوند. در گام بعد، مضامین پایه براساس شباهت‌های مفهومی و ارتباط معنایی در قالب مضامین سازمان‌دهنده دسته‌بندی شد. مضامین سازمان‌دهنده، سطحی انتزاعی‌تر از مضامین پایه دارند و نقش سازمان‌دهی و تبیین روابط میان مفاهیم را برعهده دارند. درنهایت، از طریق ترکیب و یکپارچه‌سازی مضامین سازمان‌دهنده، مضامین فراگیر استخراج شد. مضامین فراگیر بیانگر مفاهیم کلان و چارچوب تفسیری حاکم بر داده‌ها هستند و تصویری جامع از پدیده مورد مطالعه ارائه می‌دهند. به منظور افزایش اعتبار و قابلیت اعتماد یافته‌ها، فرایند کدگذاری و استخراج مضامین به صورت مستمر بازبینی شد و ارتباط میان داده‌های خام، کدها و مضامین در تمامی مراحل تحلیل مورد بررسی قرار گرفت. سپس براساس مطالبی که از مصاحبه استخراج شده، در پیشینه‌ها و تحقیقات مشابه درمورد توانمندسازی زنان، نتایجی شبیه به اطلاعات به دست آمده از مصاحبه با کارشناسان یافت شد و برای مطابقت با نتیجه این تحقیق و غنی‌سازی تحلیل، مقایسه یافته‌ها و افزایش اعتبار تفسیری نتایج به نتایج تحقیقات دیگران ارجاع داده شد. با توجه به مراحل انجام شده، موانع و عوامل اصلی تأثیرگذار در توانمندسازی زنان روستایی شناسایی شدند. براین اساس، مسیر تحلیل داده‌ها در پژوهش حاضر شامل مراحل کدگذاری اولیه، استخراج مضامین پایه، تدوین مضامین سازمان‌دهنده و استخراج مضامین فراگیر بود که درنهایت به تبیین الگوهای اصلی حاکم بر داده‌ها منجر شد. مشارکت کنندگان در این پژوهش شامل ۲۰ نفر از کارشناسان متخصصان در حوزه‌های روستایی بودند که به صورت هدفمند و به روش گلوله‌برفی انتخاب شدند. در این پژوهش، داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته جمع‌آوری شد که تا رسیدن به اشباع نظری ادامه پیدا کرد و بعد از ۲۰ مصاحبه، اشباع نظری حاصل شد. به منظور افزایش روایی و اطمینان از دقت علمی پژوهش، از راهبرد حساسیت پژوهشگر به عنوان یکی از شیوه‌های ممیزی در مطالعات کیفی بهره گرفته شد. این راهبرد با تأکید بر کنترل مستمر فرایند تحقیق، زمینه تحقق تدریجی روایی و پایایی را فراهم ساخت. براین اساس، تمامی مراحل پژوهش از جمله بررسی پیشینه پژوهش، تبیین اهداف و سؤالات تحقیق، انتخاب روش‌شناسی مناسب، طراحی و اجرای مصاحبه‌ها، فرایند مکتوب کردن، تحلیل نظام‌مند داده‌ها، تطبیق مقوله‌های استخراج شده با مبانی نظری، شناسایی مؤلفه‌های اصلی و درنهایت تدوین

الگوی نهایی، با دقت و نظارت مستمر انجام پذیرفت. در پایان، در راستای افزایش اعتبارپذیری یافته‌ها، پس از استخراج و تحلیل مضامین، نتایج در فرایند بازبینی به‌وسیله مشارکت‌کنندگان در اختیار سه نفر از استادان دانشگاهی و سه نفر از کارشناسان روستایی قرار گرفت. آنان با بررسی و ارزیابی یافته‌ها، انطباق مضامین استخراج‌شده با تجربیات و واقعیت‌های مورد مطالعه را تأیید کردند و پیشنهادهای اصلاحی آنان در بازنگری نهایی نتایج لحاظ شد. تأیید خبرگان درمورد تناسب و صحت نتایج استخراج‌شده، اعتبار یافته‌های پژوهش را تقویت کرد. به‌منظور ارزیابی پایایی یافته‌ها، از شاخص توافق میان دو کدگذار بهره گرفته شد. در این فرایند، افزون بر پژوهشگر اصلی که مسئول کدگذاری اولیه داده‌ها بود، پژوهشگر دیگری به‌صورت مستقل داده‌های کیفی را کدگذاری کرد. میزان همسویی میان نتایج دو مرحله کدگذاری، معیار سنجش پایایی تلقی شد. برای برآورد کمی این توافق، ضریب کاپای کوهن با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۷ محاسبه شد که مقدار $0/87$ به‌دست آمد و بیانگر سطح مناسب پایایی در پژوهش حاضر است.

۱-۳. معرفی محدوده مورد مطالعه

ناحیه جنوب استان اصفهان، شامل سه شهرستان سمیرم، شهرضا و دهاقان با مساحت ۹۴۸۶ کیلومتر مربع می‌شود. این منطقه بین ۳۰ درجه و ۲۰ دقیقه تا ۳۲ درجه و ۱۰ دقیقه عرض شمالی و ۵۱ درجه و ۲۰ دقیقه تا ۵۵ درجه و ۱۰ دقیقه طول شرقی قرار گرفته است. این ناحیه بین استان‌های اصفهان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد و استان فارس واقع شده است. ناحیه جنوب استان اصفهان تحت تأثیر رشته‌کوه‌های زاگرس در ناحیه‌ای کوهستانی واقع شده که از سمت شرق و شمال شرق به شهرستان اصفهان، از شرق به اقلید و آباد در استان فارس، از جنوب غربی با رشته‌کوه‌های دنا در استان کهگیلویه و بویراحمد، از غرب به استان چهارمحال و بختیاری محدود شده است (سالنامه آماری استان اصفهان، ۱۳۹۵). انتخاب شهرستان‌های سمیرم، شهرضا و دهاقان به‌عنوان یک واحد مطالعاتی مبتنی بر پیوستگی فضایی این مناطق، اشتراک نسبی در شرایط اقلیمی و طبیعی، و وجود روابط و تعاملات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی میان آن‌ها است. این ویژگی‌ها موجب می‌شود بررسی این سه شهرستان در قالب یک ناحیه واحد از انسجام تحلیلی و اعتبار علمی بیشتری برخوردار باشد.



شکل ۱. موقعیت سیاسی ناحیه جنوب استان اصفهان

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. یافته‌های توصیفی

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد از کل نمونه آماری کارشناسان روستایی در ناحیه جنوب استان اصفهان، بیشترین فراوانی سنی مربوط به گروه سنی ۳۵-۴۴ (۴۰ درصد) و کمترین فراوانی سنی مربوط به گروه سنی ۱۸-۲۴ (۵ درصد) است. از لحاظ جنسیت، بیشترین فراوانی مربوط به ساختار جنسی مردان (۵۵ درصد) و سپس زنان (۴۵ درصد) بوده است. از نظر تحصیلات بیشترین فراوانی مربوط به کارشناسی ارشد (۴۵ درصد) و کمترین فراوانی مربوط به دکتری (۱۵ درصد) بوده است. بیشترین فراوانی کارشناسان در حوزه روستایی مربوط به فرمانداری‌ها و اداره جهاد کشاورزی و تعاون روستایی (هرکدام ۲۰ درصد) و کمترین فراوانی مربوط به کمیته امداد و بهزیستی (۵ درصد) بوده است.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی	گروه‌ها	فراوانی	درصد
جنسیت	زن	۹	۴۵
	مرد	۱۱	۵۵
	جمع	۲۰	۱۰۰
تحصیلات	کارشناسی	۸	۴۰
	کارشناسی‌ارشد	۹	۴۵
	دکتری	۳	۱۵
	جمع	۲۰	۱۰۰
گروه سنی	۱۸-۲۴ سال	۱	۵
	۲۵-۳۴ سال	۵	۲۵
	۳۵-۴۴ سال	۸	۴۰
	۴۵-۵۴ سال	۳	۱۵
	۵۵-۶۴ سال	۳	۱۵
	جمع	۲۰	۱۰۰
اشتغال کارشناسان روستایی	استاد دانشگاه	۳	۱۵
	فرمانداری و دهیاری	۴	۲۰
	میراث فرهنگی	۲	۱۰
	کمیتة امداد	۱	۵
	ادارة جهاد کشاورزی و تعاون روستایی	۴	۲۰
	مراکز فنی‌وحرفه‌ای	۲	۱۰
	بهزیستی	۱	۵
	شورای روستا	۲	۱۰
	جمع	۲۰	۱۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۴

۲-۴. یافته‌های استنباطی

با توجه به اینکه یکی از اهداف این پژوهش، بررسی موانع مؤثر در توانمندسازی زنان روستایی در ناحیه جنوب استان اصفهان است، سنج‌ها و شاخص‌های موانع مؤثر در توانمندسازی زنان روستایی براساس نظرات کارشناسان بررسی شد. در مرحله نخست، بعد از مرور متن مصاحبه، واحدهای معنایی مرتبط با سؤال‌های پژوهش شناسایی و کدگذاری اولیه انجام شد. کدهای مشابه یا مرتبط در قالب مضامین پایه طبقه‌بندی شدند. در گام بعد، دسته‌بندی مضامین پایه براساس شباهت‌های مفهومی و ارتباط معنایی در قالب مضامین سازمان‌دهنده صورت گرفت. درنهایت، از طریق ترکیب و یکپارچه‌سازی مضامین

سازمان‌دهنده، سه مضمون فراگیر، شامل موانع اقتصادی، اجتماعی، فردی و روان‌شناختی به‌عنوان موانع اصلی استخراج شدند. در مضمون فراگیر موانع اقتصادی، عدم دسترسی به سرمایه با فراوانی ۱۲، محدودیت دسترسی به منابع مالی با فراوانی ۹، عدم دسترسی به بازارهای داخلی و خارجی و بسته‌بندی ضعیف محصولات تولیدی زنان هریک با فراوانی ۸، هزینه‌های زیاد آموزش حرفه‌های اقتصادی با فراوانی ۷، عدم دسترسی به مؤسسات مالی و اعتباری و محدودیت دسترسی به خدمات بانکی و ناتوانی در بازپرداخت به‌موقع وام‌ها هریک با فراوانی ۶، به‌کارنگرفتن صحیح وام‌های اشتغال‌زایی و عدم شناخت صحیح بازار و نیازهای آن هریک با فراوانی ۵، عدم ارائه آموزش‌های به‌روز به زنان با فراوانی ۹، تسلط مردان بر تصمیم‌گیری‌ها و امور زنان روستایی، دسترسی محدود به آموزش‌های رسمی و غیررسمی، عدم تناسب زمانی برگزاری کلاس‌های آموزشی با شرایط حضور زنان و اثربخشی محدود آموزش‌ها در افزایش درآمد زنان هریک با فراوانی ۸، نگرش منفی به توانایی‌های زنان، عدم رضایت همسر یا پدر برای حضور زنان در کلاس‌های آموزشی، تحصیلات کم زنان، عدم تأثیر آموزش‌ها در فعالیت‌های اقتصادی و عدم استعدادیابی مناسب هریک با فراوانی ۷، باورها و تفکرات سنتی و تبعیض‌های جنسیتی، نگرش منفی به اشتغال زنان، محدودیت در آموزش مهارت‌های فنی و مدیریتی و نگرش منفی به تحصیلات دانشگاهی هریک با فراوانی ۶، دسترسی‌نداشتن زنان به مراکز آموزشی، محدودبودن نقش زنان به فعالیت‌های خانه‌داری و کشاورزی و عدم حمایت از طریق بیمه تأمین اجتماعی هریک با فراوانی ۵ و ناآشنایی زنان با کار با اینترنت با فراوانی ۴ از دیگر مضامین پایه این بعد بودند. در مضمون فراگیر موانع فردی و روان‌شناختی، عدم علاقه زنان به آموزش‌های ارائه‌شده و عدم پشتکار هریک با فراوانی ۸، عدم خودباوری زنان و عدم ریسک‌پذیری هریک با فراوانی ۷، نداشتن اعتمادبه‌نفس و نبود روحیه تعاون و همکاری هریک با فراوانی ۶، خودکم‌بینی با فراوانی ۵ و عدم انگیزه با فراوانی ۴ از دیگر مضامین پایه این بعد بودند. به‌منظور افزایش اعتبار و قابلیت اعتماد یافته‌ها، فرایند کدگذاری و استخراج مضامین به‌صورت مستمر بازبینی شد و ارتباط میان داده‌های خام، کدها و مضامین در تمامی مراحل تحلیل مورد بررسی قرار گرفت. سپس براساس مطالبی که از مصاحبه استخراج شده، در پیشینه‌ها و تحقیقات مشابه درمورد توانمندسازی زنان، نتایجی شبیه به اطلاعات به‌دست‌آمده از مصاحبه با کارشناسان یافت شد و برای مطابقت با نتیجه این تحقیق، به نتایج تحقیقات دیگران ارجاع داده شد.

مفاهیم اقتباسی از نظرات کارشناسان، بدون تغییر نوشته شده است که درمجموع ۳۵ کد اولیه ایجاد شد. در مرحله بعد به‌دلیل زیادی کدها، همه کدهایی که مشابه بودند بر پایه قرابت مفهومی و معنایی در یک گروه خاص قرار گرفتند و درنهایت به ۶ مقوله اصلی تقسیم شدند. سپس براساس مطالبی که از مصاحبه استخراج شده بود، در تحقیقات مشابه درمورد توانمندسازی زنان، نتایجی شبیه به اطلاعات مصاحبه با کارشناسان یافت

شد و برای مطابقت با نتیجه این تحقیق، به نتایج تحقیقات دیگران ارجاع داده شد؛ بنابراین با توجه به مراحل انجام شده، شش مانع اصلی تأثیرگذار در توانمندسازی زنان روستایی شناسایی شدند که عبارت‌اند از: عدم دسترسی مالی، مشکلات وام و هزینه‌ها، تفکرات منفی درمورد زنان، نداشتن تخصص و مهارت، موانع یادگیری، سهل‌انگاری و ضعف روحی. در جدول ۲، همه سنج‌ها و شاخص‌های استخراج شده مشاهده می‌شود.

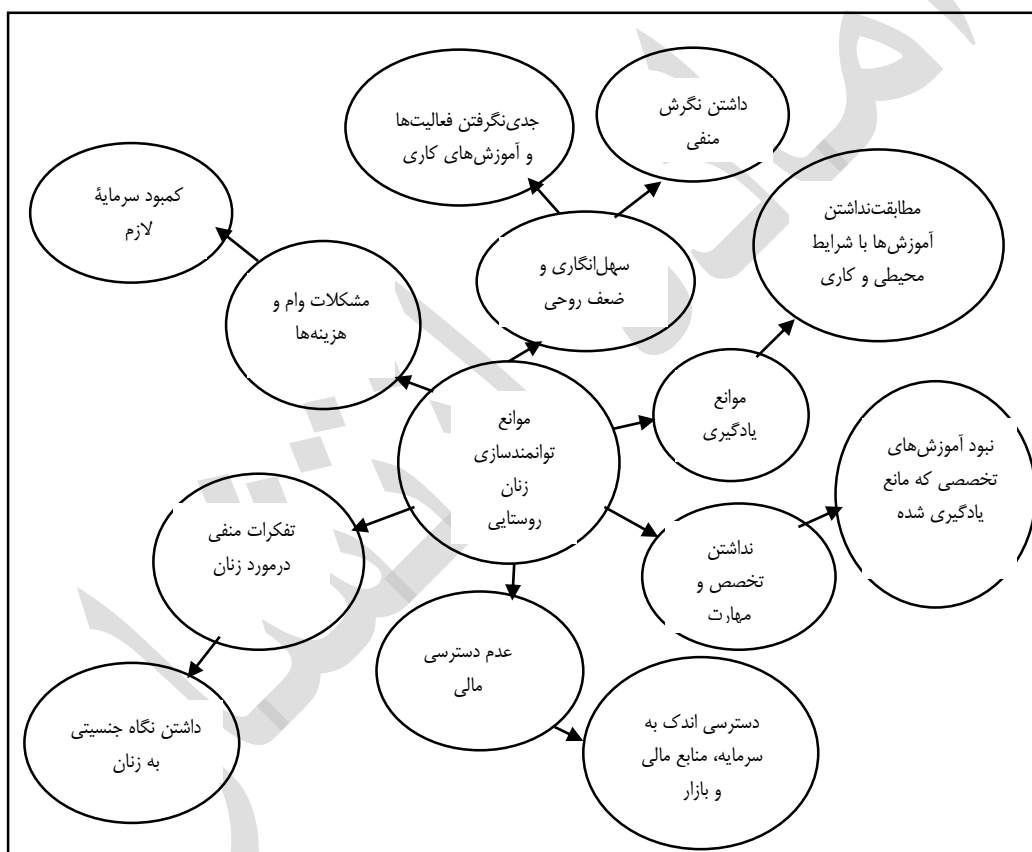
جدول ۲. خلاصه‌ای از کدگذاری و مضمون‌های به دست آمده مربوط به موانع مؤثر در توانمندسازی زنان

مؤلفه	منبع	متن استخراج شده	تحلیل متن و توصیف مضمون	مضمون
نبود دسترسی مالی	براو (۲۰۲۴)	عدم دسترسی به سرمایه	نبود سرمایه لازم برای راه‌اندازی کسب‌وکارها	دسترسی اندک به سرمایه، منابع مالی، بازار
	براو (۲۰۲۴)	محدودیت دسترسی به منابع مالی	کمبود منابع مالی به دلیل نبود سرمایه‌گذار	
	قزلباش و صفا (۱۴۰۳)	عدم دسترسی به بازارهای داخلی و خارجی	محدودیت دسترسی به بازارها به دلیل کمبود امکانات و نداشتن بازاریاب	
	کایوم و بشیر (۲۰۲۲)	عدم دسترسی به مؤسسات مالی و اعتباری و محدودیت دسترسی به خدمات بانکی	شرایط سخت بانک‌ها و مؤسسات برای دادن تسهیلات و اعتبارات بانکی	
مشکلات وام و هزینه‌ها	پاتانشی و مورتی (۲۰۲۵)	عدم توانایی در بازپرداخت به موقع وام‌ها	نداشتن اشتغال پایدار	کمبود سرمایه لازم
	ظفری‌نسب و همکاران (۱۴۰۲)	به‌کارگیری وام‌ها در زمینه غیر از اشتغال	عدم راه‌اندازی کسب‌وکار	
	کمه (۲۰۲۳)	بالا بودن هزینه‌ها برای آموزش حرفه‌های اقتصادی	هزینه‌های بالای ایاب‌وذهاب	
تفکرات منفی درمورد زنان	قزلباش و صفا (۱۴۰۳)	وجود باورها و تفکرات سنتی و تبعیض‌های جنسیتی	تفکرات سنتی که بر این باور است که زن فقط باید در خانه کار کند	نگاه جنسیتی به زن
	کایوم و بشیر (۲۰۲۲)	وجود نگرش منفی نسبت به فعالیت زنان و اشتغال زنان در جامعه		
	اوبی (۲۰۲۱)	محدود بودن نقش زنان به کارهای خانه‌داری و کشاورزی		
	کایوم و بشیر (۲۰۲۲)	وجود نگرش‌های منفی نسبت به توانایی‌های زنان در جامعه	ممانعت مردان از حضور زنان به‌خاطر نبود مراکز آموزشی در روستا و رفتن به شهر	

	تفکرات سنتی و تعصبات زیاد	عدم رضایت همسر/ پدر برای حضور زنان در کلاس‌های آموزشی به دلیل بعد مسافت و حضور مربیان مرد	اوبی (۲۰۲۱)	
	اینکه زنان بدون اجازه مردان نمی‌توانند به فعالیت بپردازند	تسلط مردان بر کل امورات زنان روستایی	اوبی (۲۰۲۱)	
عدم تخصص و مهارت	نبود آموزش‌های تخصصی که مانع یادگیری مهارت‌ها شده است	دسترسی محدود به آموزش‌های رسمی و غیررسمی	کمبه (۲۰۲۳)	
		محدودیت در آموزش مهارت‌های فنی و مدیریتی	قزلباش و صفا (۱۴۰۳)	
		عدم آشنایی زنان با کار با اینترنت	دارجی (۲۰۲۵)	
		پایین بودن سطح تحصیلات زنان	کمبه (۲۰۲۳)	
		بسته‌بندی ضعیف محصولات تولیدی زنان، عدم شناخت صحیح بازار و نیازهای بازار	احمدی‌زاده و مستعان (۱۳۹۶)	
		عدم ارائه آموزش‌های به‌روز به زنان	منهاس و همکاران (۲۰۱۳)	
عدم تطابق آموزش‌ها با شرایط محیطی و کاری زنان	سختی کار	عدم تأثیر آموزش‌ها در فعالیت‌های اقتصادی (آموزش‌هایی در زمینه کاشت گل محمدی به زنان ارائه شده، ولی به دلیل سختی و محدودیت‌های کار مانند آبیاری، مبحث ایاب‌وذهاب، زنان از انجام این‌گونه فعالیت‌ها منصرف شده‌اند).	حسینی و اصغری (۱۴۰۰)	موانع یادگیری
		عدم استعدادیابی درست	حسینی و اصغری لقمجانی (۱۴۰۰)	
		داشتن دید منفی به تحصیلات دانشگاهی	حسینی و اصغری لقمجانی (۱۴۰۰)	
		عدم تناسب زمانی برگزاری کلاس‌های آموزشی با زمانی که زنان می‌توانند در کلاس‌ها شرکت کنند.	مناس و همکاران (۲۰۱۳)	
		گاهی آموزش‌ها نتوانسته به افزایش درآمد زنان منجر شود که شرایط نامناسب طبیعی و فیزیکی نیز در این امر دخالت داشته است.	قزلباش و صفا (۱۴۰۳)	
سپه‌انگاری و ضعف روحی	نبود روحیه کارآفرینی	عدم خودباوری زنان	جلالی و همکاران (۱۴۰۳)	
		خودکم‌بینی زنان	جلالی و همکاران (۱۴۰۳)	
	خود را ناتوان دیدن	نداشتن اعتمادبه‌نفس	قزلباش و صفا (۱۴۰۳)	
		نداشتن انگیزه	قزلباش و صفا (۱۴۰۳)	
جدی‌نگرفتن	مشارکت نکردن در فعالیت‌ها	نبود روحیه تعاون و همکاری	نوروزی و امینی	

فعالیت‌ها و آموزش‌های کاری			(۱۴۰۴)
	بی‌توجهی به آموزش‌های تخصصی	بی‌علاقگی زنان به آموزش‌های ارائه‌شده	کمبه (۲۰۲۳)
	ترس از شکست و نبود پشتکار کافی	عدم پشتکار	خدری و همکاران (۱۳۹۹)
		عدم ریسک‌پذیری زنان	قزلباش و صفا (۱۴۰۳)

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۴



شکل ۲. الگوی مضامین، شاخص‌ها و سنجه‌های مربوط به موانع مؤثر در توانمندسازی زنان

با توجه به اینکه هدف بررسی عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان در منطقه مورد مطالعه بود، تعیین سنجها و شاخصهای مؤثر بر توانمندسازی زنان، براساس مصاحبه نیمه ساختاریافته با کارشناسان و اعتبارسنجی با نظر خبرگان بود. در مرحله نخست، محتوای همه نظرات مرتبط کارشناسان مکتوب شد و سپس کدگذاری اولیه (مضامین پایه) انجام گرفت. کدهای مشابه یا مرتبط در قالب مضامین پایه طبقه بندی شدند. در گام بعد، مضامین پایه براساس شباهت های مفهومی و ارتباط معنایی در قالب مضامین سازمان دهنده دسته بندی شد. در نهایت، از طریق ترکیب و یکپارچه سازی مضامین سازمان دهنده، سه مضمون فراگیر، شامل عوامل اقتصادی، اجتماعی، فردی و روان شناختی به عنوان عوامل اصلی استخراج شدند. هریک از این مضامین فراگیر، مشتمل بر مجموعه ای از مضامین پایه است که فراوانی آنها بیانگر میزان تأکید مشارکت کنندگان بر اهمیت هریک از این مؤلفه ها در فرایند توانمندسازی زنان روستایی است. در عوامل اقتصادی، آموزش مهارت های کارآفرینی با فراوانی ۱۱، تأمین اعتبارات و وام های مورد نیاز از سوی سازمان های مرتبط با فراوانی ۱۰ و تشکیل و ایجاد کارگاه های صنایع دستی با فراوانی ۹، دسترسی به منابع مالی و سرمایه گذاری در ایجاد کارگاه های زودبازده، توسعه مشاغل خانگی و ایجاد بازارهای فروش محصولات تولیدی زنان هریک با فراوانی ۸، آموزش های اقتصادی در زمینه بازاریابی با فراوانی ۷، دسترسی به فرصت های شغلی، آموزش فعالیت های اقتصادی در حوزه کشاورزی، دامپروری و صنایع دستی، ایجاد فرصت های اشتغال و دستمزد برابر با مردان و ارائه وام های خوداشتغالی از سوی نهادهایی مانند کمیته امداد و سازمان بهزیستی هریک با فراوانی ۶ و در نهایت مشارکت در فعالیت های اقتصادی و استفاده از وام های کم بهره با فراوانی ۵، از دیگر مضامین پایه این بعد به شمار می رود. در بعد عوامل اجتماعی، توسعه آموزش های فنی و حرفه ای متناسب با نیازهای محلی با فراوانی ۱۳، مشارکت در فعالیت های اجتماعی و برگزاری دوره های نهضت سوادآموزی هریک با فراوانی ۱۱ و برگزاری دوره های آموزشی جهاد کشاورزی و فنی و حرفه ای در زمینه هایی مانند کشت گل محمدی، قارچ و گلخانه ای با فراوانی ۱۰، برگزاری دوره های آموزشی به وسیله سازمان فنی و حرفه ای برای ارتقای مهارت های فردی، اقتصادی و اجتماعی، آموزش مشارکت اجتماعی، برگزاری دوره های مهارتی در رشته هایی مانند خیاطی، قالبیافی، منبت کاری، مینا کاری، سفال و گیوه دوزی و برگزاری نمایشگاه ها و جشنواره های معرفی توانمندی های بانوان هریک با فراوانی ۹، بیمه زنان، به ویژه زنان خانه دار، برگزاری دوره های آموزش صنایع دستی و آموزش مهارت های زندگی هریک با فراوانی ۸، آموزش تولید و فرآوری محصولات دامی و باغی با فراوانی ۷، افزایش سطح تحصیلات و برگزاری کلاس های تخصصی برای توسعه فعالیت های مشارکتی هریک با فراوانی ۶ و در نهایت آموزش حقوق، تکالیف و شیوه های دفاع از حقوق زنان با فراوانی ۴ از دیگر مضامین پایه این بعد محسوب می شود. در بعد عوامل فردی و روان شناختی نیز انگیزه با فراوانی ۱۲، اعتماد به نفس و استقلال طلبی هریک با فراوانی ۱۱، استفاده از

تجربیات زنان موفق و معرفی الگوهای موفق و ریسک‌پذیری هریک با فراوانی ۹، و خودباوری، شناخت استعدادها و توانایی‌ها و خلاقیت و نوآوری هریک با فراوانی ۸، از دیگر مضامین پایه اثرگذار این بعد هستند.

مفاهیم اقتباسی از نظرات کارشناسان بدون تغییر نوشته شد و درمجموع ۳۷ کد اولیه ایجاد شد که ۲ کد به دلیل عدم ارتباط مستقیم با اهداف پژوهش حذف شدند و کدها به ۳۵ کد کاهش یافت. در مرحله بعد، به دلیل زیادی کدها، همه کدهایی که مشابه بودند بر پایه نزدیکی و قرابت مفهومی و معنایی در یک گروه خاص قرار گرفتند و درنهایت به ۶ مؤلفه اصلی تقسیم شدند. سپس براساس مطالبی که از مصاحبه استخراج شده، در تحقیقات مشابه درمورد توانمندسازی زنان، نتایج شبیه به اطلاعات به دست آمده از مصاحبه با کارشناسان یافت شد و برای مطابقت با نتیجه این تحقیق، به نتایج تحقیقات دیگران ارجاع داده شد. با توجه به مراحل انجام شده، پنج عامل اصلی تأثیرگذار در توانمندسازی زنان روستایی شناسایی شدند که عبارت‌اند از: دسترسی ساختاری به منابع اقتصادی و فرصت‌های اشتغال، شمول در منابع مالی و فرصت‌های بازار کار، تخصیص اعتبارات، عدم تبعیض جنسیتی، آموزش تخصصی زنان، مهارت‌های شخصی (جدول ۳).

جدول ۳. خلاصه‌ای از کدگذاری و مضمون‌های به دست آمده مربوط به عوامل مؤثر در توانمندسازی زنان

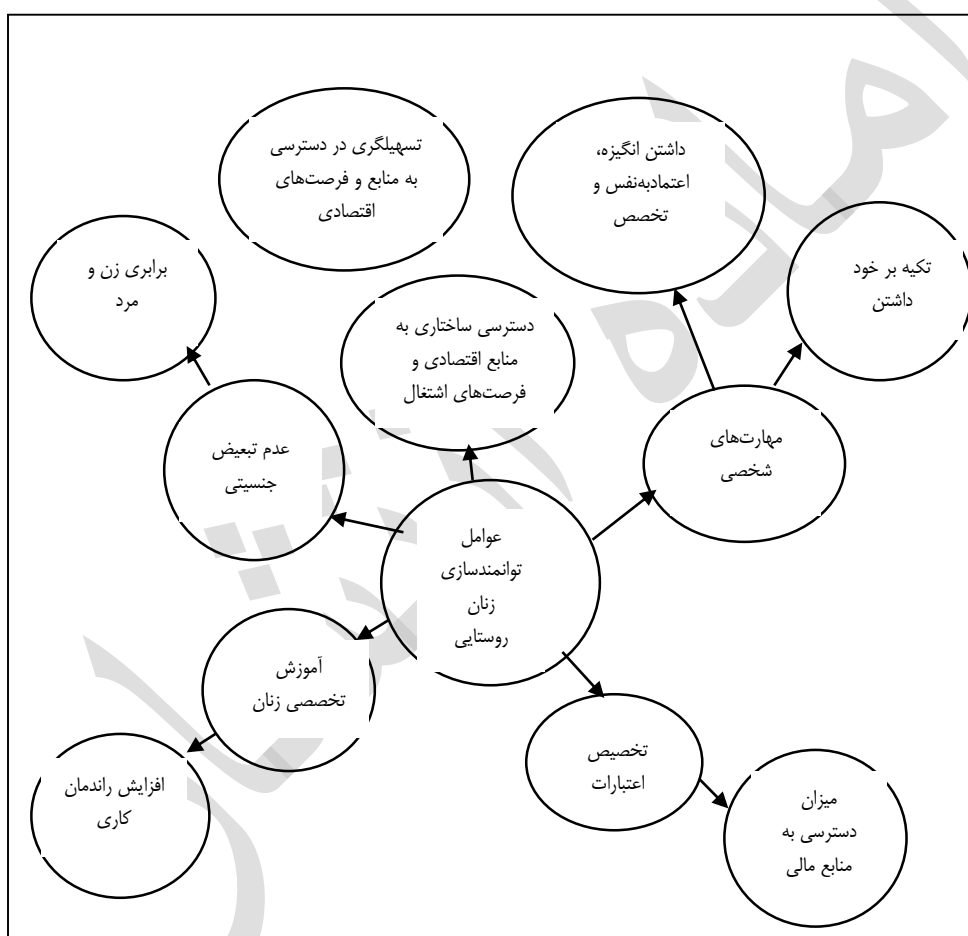
مؤلفه	منبع	متن استخراج شده	تحلیل متن و توصیف مضمون	مضمون
دسترسی ساختاری به منابع اقتصادی و فرصت‌های اشتغال / شمول در منابع مالی و فرصت‌های بازار کار	تیزچنگ و همکاران (۱۴۰۲)	دسترسی به منابع مالی	چگونگی رسیدن به منابع مالی و فرصت‌های شغلی	تسهیلگری در دسترسی به منابع و فرصت‌های اقتصادی
	بوداچی و عباس‌زاده (۱۳۹۹)	دسترسی به فرصت‌های شغلی		
تخصیص اعتبارات	پالاش و همکاران (۲۰۲۴)	تأمین اعتبارات و وام‌های موردنیاز از طرف سازمان‌های مربوطه	میزان تخصیص اعتبارات به منظور راه‌اندازی کسب‌وکار	
	تیزچنگ و همکاران (۱۴۰۲)	استفاده از وام‌های کم‌بهره	میزان تخصیص اعتبارات به منظور راه‌اندازی کسب‌وکار	

میزان دسترسی به منابع مالی / ظرفیت تأمین مالی	میزان تخصیص اعتبارات به منظور راه اندازی کسب و کار	ارائه وام های خوداشتغالی به وسیله سازمان هایی نظیر کمیته امداد، بهزیستی و...، حمایت از کسب و کارهای کوچک خانگی	حسین پور برنج آباد (۱۴۰۰)	
	میزان سرمایه گذاری دولتی و خصوصی	سرمایه گذاری برای ایجاد کارگاه های زودبازده و مشاغل خانگی و ایجاد بازارهای فروش در جهت فروش محصولات تولیدی زنان به ویژه ایجاد بازارچه های هفتگی	کومار (۲۰۲۳)	
برابری زن و مرد	برخورداري از حق بیمه برابر بهمانند مردان	بیمه زنان به ویژه زنان خانه دار	بالاسوبرامانیان و همکاران (۲۰۲۴)	عدم تبعیض جنسیتی
	افزایش آگاهی زنان در برابر حقوقشان	برگزاری دوره های آموزشی برای آگاهی زنان نسبت به حقوق و تکالیف خود و دفاع از حق و جایگاه و زنانگی خود	حسین پور برنج آباد (۱۴۰۰)	
	میزان حقوق برابر با مردان	ایجاد زمینه های اشتغال برابر با مردان و برخورداري از دستمزد برابر با مردان در قبال کاری که به صورت برابر با مردان انجام می دهند.	بوداقي و عباس زاده (۱۳۹۹)	
	اجازه دادن به زنان برای ادامه تحصیلات	افزایش سطح تحصیلات	کومار (۲۰۲۳)	
	اجازه ورود به زنان در فعالیتهای اجتماعی	مشارکت در فعالیتهای اجتماعی	جلالی و همکاران (۱۴۰۳)	
	اجازه ورود به زنان در فعالیتهای اقتصادی	مشارکت در فعالیتهای اقتصادی	جلالی و همکاران (۱۴۰۳)	
	شناسایی نیازهای محلی به زنان	توسعه آموزش های فنی و حرفه ای متناسب با نیازهای محلی	اوگبری (۲۰۲۴)	آموزش تخصصی زنان
	میزان کارگاه های ایجاد شده در صنایع دستی	تشکیل و ایجاد کارگاه های صنایع دستی	باقری و همکاران (۱۴۹۴)	
	بالا بردن مهارت های زنان	برگزاری دوره های آموزشی به وسیله سازمان فنی و حرفه ای در جهت افزایش مهارت های فردی و اقتصادی و اجتماعی	عریخانی و همکاران (۱۳۹۸)، موسوی و همکاران (۱۴۰۰)	
	چگونگی حضور در فعالیتهای اجتماعی	برگزاری دوره های آموزشی در جهت مشارکت در زمینه های اجتماعی (حضور در نمایشگاه ها، جشن ها و مراسم های مذهبی، حضور در کلاس های فرهنگی و هنری)	اوگبری (۲۰۲۴)	

افزایش راندمان کاری با فراگیری آموزش‌ها	چگونگی افزایش تولیدات	برگزاری دوره‌های آموزشی برای تولید و فرآوری محصولات دامی و باغی به‌وسیله کمیته امداد، جهاد کشاورزی و فنی‌وحرفه‌ای (کشت گل محمدی، قارچ، کشت گلخانه‌ای)	بوداقلی و عباس‌زاده (۱۳۹۹)
	چگونگی تولید صنایع‌دستی متناسب با نیاز جامعه	برگزاری دوره‌های آموزشی در زمینه تولید صنایع‌دستی به‌وسیله کمیته امداد، جهاد کشاورزی و فنی و حرفه‌ای (خیاطی، قالببافی، منبت‌کاری، میناکاری، سفال و سرامیک، گیوه‌دوزی و...)	اوگیری (۲۰۲۴)
	ارتقای سطح دانش و سواد زنان	برگزاری دوره‌های نهضت سوادآموزی	پالاش و همکاران (۲۰۲۴)
	چگونگی فراگیری مهارت‌ها	برگزاری دوره‌های آموزشی برای افزایش مهارت‌های زندگی	تیزچنگ و همکاران (۱۴۰۲)
	نشان‌دادن توانمندی زنان	برگزاری نمایشگاه‌ها و جشنواره‌هایی از توانمندی‌های بانوان (تولید محصولات کشاورزی، صنایع‌دستی، پخت نان و غذاهای محلی)	جلالی و همکاران (۱۴۰۳)
	چگونگی انجام‌دادن کارهای گروهی	برگزاری کلاس‌های آموزشی - تخصصی برای توجیه کارهای مشارکتی	حسین‌پور برنج‌آباد (۱۴۰۰)
	چگونگی آموزش به زنان	آموزش مهارت‌های کارآفرینی	موسوی و همکاران (۱۴۰۰)
	چگونگی آموزش به زنان	آموزش‌های اقتصادی به زنان در زمینه بازاریابی	تیزچنگ و همکاران (۱۴۰۲)
	چگونگی آموزش به زنان	ارائه آموزش‌های اقتصادی به زنان در حوزه فعالیت‌های اقتصادی مانند کشاورزی، دامپروری، صنایع‌دستی	حسین‌پور برنج‌آباد (۱۴۰۰)
مهارت‌های شخصی	انگیزه برای انجام‌دادن کسب‌وکارها	انگیزه	کوما و گودانا (۲۰۲۳)
	داشتن اعتمادبه‌نفس در کارها	اعتمادبه‌نفس	گیمیره و همکاران (۲۰۲۴)
	بهره‌مندشدن از تخصص زنان	استفاده از تجربیات زنان در حوزه‌های گوناگون	عربخانی و همکاران (۱۳۹۸)
	به خود تکیه کردن در مواقع حساس	خودباوری	جلالی و همکاران (۱۴۰۳)
	راه‌اندازی کسب‌وکار براساس توانایی	شناخت استعدادها و توانایی‌های زنان	قنبری و انصاری (۱۳۹۴)
	داشتن قدرت تصمیم‌گیری	استقلال‌طلبی	گیمیره و همکاران
	تکیه بر خود داشتن به‌منظور راه‌اندازی کسب‌وکارها و استفاده از		

شیوه‌های نو همراه با ریسک‌پذیری و داشتن قدرت تصمیم‌گیری	در کارها		(۲۰۳۴)
	استفاده از شیوه‌های نو در کارها	خلاقیت و نوآوری	کوما و گودانا (۲۰۲۳)
	نترسیدن از راهاندازی کسب‌وکار جدید	ریسک‌پذیری	جلالی و همکاران (۱۴۰۳)

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۴



شکل ۳. الگوی مضامین، شاخص‌ها و سنجه‌های مربوط به عوامل مؤثر در توانمندسازی زنان

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد مضامین استخراج‌شده از توانمندسازی زنان روستایی در شهرستان‌های سمیرم، شهرضا و دهقان، بیانگر پیامدها و نمودهای عینی توانمندسازی است؛ درحالی‌که مؤلفه‌های شناسایی‌شده، نقش عوامل زمینه‌ساز و تسهیل‌کننده این فرایند را ایفا می‌کند. مهم‌ترین مضامین شامل بهبود دسترسی به منابع و فرصت‌های اقتصادی، تقویت شمول مالی و دسترسی به اعتبارات، ارتقای برابری جنسیتی، افزایش بهره‌وری از طریق آموزش و تقویت انگیزه، اعتمادبه‌نفس، خوداتکایی، کارآفرینی، نوآوری و قدرت تصمیم‌گیری است. در مقابل، دسترسی ساختاری به منابع و فرصت‌های اشتغال، تخصیص اعتبارات، آموزش‌های تخصصی، مهارت‌های فردی و کاهش تبعیض جنسیتی، مهم‌ترین مؤلفه‌های زمینه‌ساز توانمندسازی محسوب می‌شوند. تحلیل روابط میان این مؤلفه‌ها و مضامین نشان می‌دهد بهبود دسترسی به منابع مالی، فرصت‌های شغلی و بازار، استقلال اقتصادی و توسعه کسب‌وکارهای کوچک را تقویت می‌کند. آموزش‌های تخصصی نیز با ارتقای دانش و مهارت، بهره‌وری و کیفیت عملکرد اقتصادی زنان را افزایش می‌دهد. همچنین تقویت مهارت‌های فردی و کاهش تبعیض جنسیتی، زمینه افزایش اعتمادبه‌نفس، مشارکت اجتماعی، برابری فرصت‌ها و ایفای نقش مؤثر زنان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و اجتماعی را فراهم می‌سازد. در مجموع، توانمندسازی زنان روستایی فرایندی چندبعدی و تعاملی است که از هم‌افزایی عوامل ساختاری، اقتصادی، آموزشی و فردی شکل می‌گیرد و پیامد آن افزایش استقلال اقتصادی، خوداتکایی، کارآفرینی، نوآوری و مشارکت فعال زنان در توسعه پایدار روستایی است. براین‌اساس، مؤلفه‌های شناسایی‌شده به‌عنوان متغیرهای زمینه‌ای و تسهیل‌کننده و مضامین استخراج‌شده به‌عنوان پیامدها و تجلی‌های عینی توانمندسازی قابل‌تبیین هستند.

مطابق یافته‌های پژوهش، توانمندسازی زنان روستایی فرایندی چندبعدی است که از تعامل میان دسترسی به منابع و تقویت عاملیت شکل می‌گیرد. در چارچوب نظریه توانمندسازی کبیر، مؤلفه‌هایی مانند دسترسی به منابع مالی، اعتبارات، فرصت‌های شغلی، آموزش‌های تخصصی و خدمات حمایتی در بعد «منابع» قرار می‌گیرد و زمینه مشارکت اقتصادی و اجتماعی زنان را فراهم می‌آورد. در مقابل، مؤلفه‌هایی نظیر انگیزه، خودباوری، اعتمادبه‌نفس، مهارت‌های کارآفرینانه و کاهش تبعیض‌های جنسیتی، در بعد عاملیت قرار دارد و ظرفیت زنان را برای بهره‌گیری مؤثر از فرصت‌های موجود و تصمیم‌گیری مستقل افزایش می‌دهد. براین‌اساس، پیامدهایی مانند استقلال اقتصادی، کارآفرینی، مشارکت اجتماعی و برابری جنسیتی را می‌توان حاصل تعامل این دو بعد دانست. یافته‌ها همچنین با الگوی آلسوپ و هینسون هم‌راستا است و نشان می‌دهد توانمندسازی زمانی تحقق می‌یابد که ساختار فرصت‌ها (دسترسی عادلانه به منابع، بازار، اعتبارات و خدمات) و عاملیت فردی (دانش، مهارت و توان تصمیم‌گیری)، به‌صورت هم‌زمان تقویت شود. در مقابل، محدودیت در دسترسی به سرمایه، خدمات اعتباری و بازار، همراه با

نگرش‌های جنسیتی، ضعف آموزش‌های تخصصی و کاهش انگیزه، مهم‌ترین موانع توانمندسازی زنان روستایی در شهرستان‌های سمیرم، شهرضا و دهاقان محسوب می‌شود. این موانع، دسترسی زنان به منابع را محدود می‌کند و با تضعیف عاملیت فردی، مشارکت اقتصادی و اجتماعی آنان را کاهش می‌دهد. درمجموع، یافته‌های پژوهش بر ضرورت اتخاذ رویکردی یکپارچه در سیاست‌گذاری توانمندسازی زنان روستایی تأکید دارد؛ رویکردی که هم‌زمان بر توسعه نظام‌های مالی و اعتباری، بهبود دسترسی به بازار، ارائه آموزش‌های متناسب با نیازهای محلی، تقویت مهارت‌های کارآفرینانه و مدیریتی، اصلاح هنجارهای تبعیض‌آمیز جنسیتی و تقویت نهادهای حمایتی متمرکز باشد. چنین رویکردی می‌تواند با ارتقای هم‌زمان منابع و عاملیت، زمینه تحقق توانمندسازی پایدار و توسعه فراگیر روستایی را فراهم آورد.

۶. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی ابعاد، مؤلفه‌ها و موانع توانمندسازی زنان روستایی در شهرستان‌های سمیرم، شهرضا و دهاقان انجام گرفت. یافته‌ها نشان داد توانمندسازی زنان روستایی پدیده‌ای چندبعدی است که از تعامل عوامل اقتصادی، اجتماعی، آموزشی، روان‌شناختی و ساختاری شکل می‌گیرد. دسترسی به منابع مالی و اعتباری، فرصت‌های اشتغال، آموزش‌های تخصصی، مهارت‌های فردی و شمول مالی، همراه با کاهش تبعیض‌های جنسیتی، از مهم‌ترین مؤلفه‌های تقویت‌کننده توانمندسازی محسوب می‌شود و زمینه ارتقای استقلال اقتصادی، کارآفرینی، اعتمادبه‌نفس، مشارکت اجتماعی و خوداتکایی زنان را فراهم می‌کند. تحلیل یافته‌ها در چارچوب دیدگاه کبیر و الگوی آلسوپ و هینسون نشان می‌دهد توانمندسازی زمانی تحقق می‌یابد که دسترسی به منابع و فرصت‌ها با تقویت عاملیت زنان و افزایش ظرفیت تصمیم‌گیری ایشان همراه باشد. در مقابل، محدودیت دسترسی به منابع مالی، دشواری دریافت تسهیلات، ضعف آموزش‌های تخصصی، نگرش‌های جنسیتی و محدودیت‌های انگیزشی، از مهم‌ترین موانع توانمندسازی به‌شمار می‌رود. از این‌رو، تحقق توانمندسازی پایدار زنان روستایی مستلزم رویکردی جامع است که بر توسعه ساختار فرصت‌ها، تسهیل دسترسی به منابع مالی، ارتقای آموزش و مهارت‌های کارآفرینانه، تقویت قابلیت‌های فردی و رفع تبعیض‌های جنسیتی تأکید داشته باشد. درمجموع، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که توانمندسازی زنان روستایی فرایندی تعاملی است که از هم‌افزایی ظرفیت‌های فردی و ساختاری شکل می‌گیرد و نقشی اساسی در تحقق توسعه پایدار روستایی ایفا می‌کند.

یافته‌های پژوهش حاضر در مقایسه با مطالعات پیشین نشان می‌دهد اگرچه تحقیقات قبلی (Ghezelbash & Safa, 2024; Azimi et al., 2022; Arabkhani et al., 2019; Qayyum &)

عمدتاً بر شناسایی عوامل و موانع توانمندسازی زنان روستایی، مانند کمبود منابع مالی، محدودیت دسترسی به وام، ضعف آموزش، فرهنگ مردسالارانه و تبعیض جنسیتی تمرکز داشته‌اند، اما پژوهش حاضر فراتر از این سطح، به تبیین روابط میان عوامل، پیامدهای توانمندسازی و تحلیل نظری آن‌ها در چارچوب نظریه‌های کبیر و آسوپ و هینسون پرداخته است. در این راستا، علاوه بر تأیید نقش عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، پیامدهای توانمندسازی نیز به صورت منسجم استخراج شده‌اند؛ از جمله تسهیل دسترسی به منابع اقتصادی، ارتقای ظرفیت تأمین مالی، برابری جنسیتی، افزایش بهره‌وری از طریق آموزش، تقویت انگیزه و اعتمادبه‌نفس، و توسعه خودتکایی، کارآفرینی، نوآوری و قدرت تصمیم‌گیری. همچنین برخلاف بسیاری از مطالعات پیشین که آموزش را صرفاً یک عامل تسهیل‌کننده در نظر گرفته‌اند (Azimi et al., 2022; Kumar, 2023; Tabassum et al., 2019)، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد ناکارآمدی آموزش‌ها، عدم تناسب با نیازهای واقعی، ضعف کاربردی بودن و موانع یادگیری نیز می‌تواند خود به عنوان مانع توانمندسازی عمل کند. از سوی دیگر، براساس نتایج، توانمندسازی زنان روستایی حاصل تعامل هم‌زمان ساختار فرصت‌ها و عاملیت فردی است؛ به گونه‌ای که دسترسی به منابع و فرصت‌های اقتصادی، فقط در صورت تقویت مهارت‌ها، انگیزه، خودباوری و توان تصمیم‌گیری به پیامدهای توانمندساز منجر می‌شود. در مجموع، تمایز اصلی پژوهش حاضر از مطالعات پیشین در ارائه یک الگوی تبیینی جامع، تأکید بر تعامل منابع و عاملیت، استخراج پیامدهای توانمندسازی و توجه به ابعاد کمتر بررسی شده، مانند تناسب آموزش‌ها و موانع یادگیری است. این رویکرد تلفیقی، درک دقیق‌تری از سازوکار توانمندسازی زنان روستایی ارائه می‌کند و بر ضرورت اتخاذ رویکردی چندبعدی در سیاست‌گذاری تأکید دارد.

یافته‌های الگوی بومی پژوهش نشان داد توانمندسازی زنان روستایی تحت تأثیر سه دسته عامل اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و روان‌شناختی قرار دارد. در بعد اقتصادی، دسترسی به منابع مالی و اعتباری، تسهیلات خوداشتغالی، بازارهای فروش محصولات و آموزش‌های کارآفرینی، بازاریابی و مهارت‌های تولیدی، نقش مؤثری در ارتقای استقلال اقتصادی زنان ایفا می‌کند. در بعد اجتماعی-فرهنگی نیز دسترسی به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای متناسب با نیازهای محلی، ارتقای سواد و مهارت، مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی و کاهش موانع اجتماعی و نگرش‌های سنتی، از مهم‌ترین عوامل تقویت‌کننده توانمندسازی به‌شمار می‌رود. همچنین مؤلفه‌های روان‌شناختی مانند تقویت اعتمادبه‌نفس، خودباوری، انگیزه و توان تصمیم‌گیری، نقش مهمی در افزایش عاملیت زنان دارند. در مقابل، محدودیت دسترسی به منابع مالی، ناکارآمدی نظام‌های اعتباری، ناهماهنگی آموزش‌ها با نیازهای محلی، کمبود مهارت، نگرش‌های منفی به اشتغال زنان و تداوم کلیشه‌های جنسیتی، از مهم‌ترین موانع

توانمندسازی زنان روستایی محسوب می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد عملکرد هماهنگ نهادهای رسمی و غیررسمی در رفع این موانع و توسعه فرصت‌های آموزشی، اقتصادی و اجتماعی می‌تواند به افزایش استقلال اقتصادی، مشارکت اجتماعی، آگاهی، مهارت، قدرت تصمیم‌گیری، اعتمادبه‌نفس و درنهایت تحقق توانمندسازی پایدار زنان روستایی منجر شود (شکل ۴).



۷. پیشنهادها

شکل ۴. الگوی بومی توانمندسازی زنان روستایی در ناحیه جنوب استان اصفهان

با توجه به اینکه یافته‌های پژوهش، موانع مالی، آموزشی، فرهنگی و روان‌شناختی را از مهم‌ترین چالش‌های توانمندسازی زنان روستایی در شهرستان‌های سمیرم، شهرضا و دهقان شناسایی کرد، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود.

نخست، در راستای رفع موانع مالی و محدودیت دسترسی به سرمایه، توسعه نظام‌های تأمین مالی خرد، صندوق‌های اعتباری و صندوق‌های همیاری زنان روستایی ضروری است. همچنین با توجه به محدودیت دسترسی زنان روستایی در شهرستان‌های سمیرم، شهرضا و دهقان، به منابع مالی و اعتبارات، توسعه صندوق‌های اعتباری خرد و صندوق‌های همیاری زنان روستایی با حمایت نهادهای محلی و دستگاه‌های توسعه‌ای ضروری است. همچنین بهره‌گیری از ظرفیت‌های اقتصادی منطقه در حوزه باغداری، فرآورده‌های دامی، صنایع دستی و محصولات بومی از طریق توسعه بازارچه‌های محلی، ایجاد برندهای منطقه‌ای و تقویت زنجیره‌های ارزش می‌تواند زمینه افزایش درآمد و پایداری فعالیت‌های اقتصادی زنان را ایجاد کند و شرایط مشارکت آنان را در فعالیت‌های اقتصادی و کارآفرینانه فراهم آورد. دوم، با توجه به محدودیت دسترسی زنان به بازار و فرصت‌های اقتصادی، حمایت از بازاریابی و تجاری‌سازی محصولات تولیدی زنان از طریق توسعه بازارچه‌های محلی، ایجاد برندهای منطقه‌ای و تقویت فعالیت‌های مبتنی بر ظرفیت‌های بومی، نظیر صنایع دستی، فرآورده‌های دامی و گردشگری روستایی پیشنهاد می‌شود. این راهبرد می‌تواند به افزایش درآمد و پایداری فعالیت‌های اقتصادی زنان منجر شود. سوم، در پاسخ به ضعف مهارت‌های تخصصی و موانع یادگیری، بازنگری در نظام آموزش‌های توانمندسازی زنان ضروری است. طراحی آموزش‌های کاربردی، مهارت‌محور و متناسب با نیازهای محلی، همراه با بهره‌گیری از شیوه‌های آموزشی منعطف و در دسترس می‌تواند اثربخشی برنامه‌های آموزشی را افزایش دهد. این آموزش‌ها باید بر حوزه‌هایی نظیر فرآوری و بسته‌بندی محصولات باغی، صنایع دستی، بازاریابی، کارآفرینی و گردشگری روستایی متمرکز باشد. همچنین گسترش آموزش‌های محلی و انعطاف‌پذیر با مشارکت مراکز علمی و آموزشی استان می‌تواند دسترسی زنان به فرصت‌های یادگیری و ارتقای مهارت را تسهیل کند. چهارم، با توجه به نقش نگرش‌های جنسیتی در محدودسازی فرصت‌های زنان، اجرای برنامه‌های فرهنگی و آگاهی‌بخشی با هدف تقویت پذیرش اجتماعی فعالیت‌های اقتصادی زنان و افزایش مشارکت آنان در عرصه‌های محلی ضروری به نظر می‌رسد. همچنین بهره‌گیری از ظرفیت زنان موفق محلی می‌تواند در تغییر نگرش‌های سنتی و تقویت الگوهای مثبت نقش مؤثری ایفا کند. از سوی دیگر، با توجه به تأثیر نگرش‌های منفی، کاهش اعتمادبه‌نفس و ضعف انگیزشی بر مشارکت اقتصادی زنان، اجرای برنامه‌های تقویت خودکارآمدی، اعتمادبه‌نفس و روحیه کارآفرینی در جوامع روستایی جنوب استان اصفهان ضرورت دارد. بهره‌گیری از زنان کارآفرین و موفق منطقه به عنوان الگوهای محلی، تقویت شبکه‌های حمایتی زنان و افزایش مشارکت آنان در رویدادهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی می‌تواند به ارتقای انگیزه، افزایش عاملیت و تقویت خوداتکایی زنان روستایی منجر شود. پنجم، با توجه به تأثیر عوامل انگیزشی و روان‌شناختی بر توانمندسازی، برنامه‌های توسعه روستایی باید علاوه بر حمایت‌های اقتصادی، بر تقویت اعتمادبه‌نفس،

خودکارآمدی، روحیه کارآفرینی و ریسک‌پذیری زنان نیز تمرکز داشته باشد. این امر می‌تواند از طریق آموزش مهارت‌های فردی، شبکه‌سازی اجتماعی و حمایت‌های مشاوره‌ای محقق شود. به‌طور کلی، نتایج پژوهش نشان می‌دهد توانمندسازی زنان روستایی مستلزم اتخاذ رویکردی جامع است که هم‌زمان موانع ساختاری، اقتصادی، آموزشی و فردی را مورد توجه قرار دهد و زمینه ارتقای دسترسی زنان به فرصت‌ها و افزایش عاملیت آنان را فراهم سازد.

۸. تعارض منافع

این پژوهش مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «تبیین الگوی بومی توانمندسازی زنان روستایی مورد مطالعه: روستاهای استان اصفهان» در دانشگاه گیلان است که با راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم انجام شده است. در این مطالعه هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

References

- Abbaszadeh, M. & Boudaghi, A. (2020). Modeling the Factors Affecting the Empowerment of Married Women in East Azerbaijan Province. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 18(2), 7-42. <https://doi.org/10.22051/jwsps.2020.29706.2139> (In Persian)
- Abdelmoaty, A., Saadallah, D., & Bakr, A. (2021). *Gender Mainstreaming and Women's Involvement in Urban Planning Strategies*, In *Proceedings of the Second Arab Land Conference*, Cairo: Egypt. 22-24.
- Alibaygi, A. & Taghibaygi, M. (2023). Strategic Planning to Empower Rural Women in Kermanshah Province through Entrepreneurship Application of Meta-SWOT Technique. *Journal of Rural Research*, 14(1), 90-113. <https://doi.org/10.22059/jrrr.2023.351332.1796> (In Persian)
- Ahmadizadeh, S., & Mostaan, A. (2017). Driving Forces and Hampering Factors Affecting Establishment and Development of Date Processing Industries in Khuzestan Province. *Agricultural Economics and Development*, 25(1), 183-217. <https://doi.org/10.30490/aead.2017.59071> (In Persian)
- Agustina, I. F., & Choiriyah, I. U. (2019). Model of Women Empowerment in Strengthening Family Socio-Economic Status, In *ICEMSS Proceedings of the 1st*

International Conference on Emerging Media and Social Science, Banyuwangi: Indonesia. 310-312. <https://doi.org/10.4108/eai.7-12-2018.2281774>

Alayed, S., & Alateeg, S. (2025). Women economic empowerment leads towards social innovation in rural setting of Saudi Arabia. *Cogent Economics & Finance*, 13(1), 1-14. <https://doi.org/10.1080/23322039.2025.2481228>

Albornoz-Arias, N., Rojas-Sanguino, C., & Santafo-Rojas, A. K. (2025). Empowering Rural Women in the Cocoa Production Chain in Sardinata Norte de Santander Colombia. *Social Sciences*, 14(2), 1-30. <https://doi.org/10.3390/socsci14020094>

Alsop, R., & Heinsohn, N. (2005), *Measuring empowerment in practice: Structuring analysis and framing indicators* . Washington, D.C: World Bank.

Akter, A., Choudhury, F. H., Bagum, T., Islam, M. M., & Hasan, R. (2024). Socio-economic impact of entrepreneurship activities for the empowerment of women in Bangladesh. *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*, 14(2), 935-953. <https://doi.org/10.6007/IJARBS/v14-i2/20847>

Akbari Torkamani, N., Ghasemi, V., & Aqababae, E. (2018). Empowering Female-headed Households in District 5 of Isfahan with Emphasis on Occupation Factor. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 26(3), 7-36. <https://doi.org/10.22052/jwsps.2029.29887.2704> (In Persian)

Akbarpour, A., Hussain Ali beki, Gh., Hussaini, S. A., & Abbasian Jahrm, H. (2023). Methodology of thematic analysis in determining the parameters and indicators of the criticality of urban infrastructures based on intrinsic value. *Application Geographic Information system(GIS) and Remote Sensing (R.S) in Planning*, 13(4), 77-100. (In Persian)

Arabkhani, A., Seyed Mirzaie, S. M., & Kaldi, A. (2019). Developing a Conceptual Model Using Fundamental Theory in Empowering Rural Women: (Case Study on Eshgabad county of Neishaboer City). *Journal of Socio-Cultural Studies of Khorasan*, 13(3), 89-116. <https://doi.org/10.22034/fakh.2019.197529.1351> (In Persian)

Astutik, E., Efendi, F., Sebayang, S. K., Hadisuyatmana, S., & Kuswanto, H.. (2020). Association between women's empowerment and diarrhea in children under two years in Indonesia. *Children and Youth Services Review*, 113(1), 1-15. <https://doi.org/10.1016/j.childyouth.2020.105004>

- Azimi, N., Alibaygi, A. H., & Papzan, A. (2022). A Model for Empowering Rural Women in Kermanshah County. *Village and Development*, 25(4), 67-86. <https://doi.org/10.30490/rvt.2021.354399.1354> (In Persian)
- Bagheri, H., Kavoosi-Kalashami, M., & Motamed, M. K. (2025). The Impact of Handicraft Revival on the Empowerment of Rural Women (Case Study: Tourism Target Villages in Alamut Region). *Woman in Development & Politics*, 23(2), 267-288. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2025.389485.1008513> (In Persian)
- Balasubramanian, P., Ibanez, M., Khan, S., & Sahoo, S. (2024). Does women's economic empowerment promote human development in low-and middle-income countries? A meta-analysis. *World Development*, 178(1), 1-23. <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2024.106588>
- Ben, N., & Yadav, S. K. (2025). Women Empowerment-A Study of SHGS in Satna & Maihar District of Madhya Pradesh. *International Journal of Innovations in Science, Engineering And Management*, 4(1), 324-332. <https://doi.org/10.69968/ijisem.2025v4i1324-332>
- Bravo, P. (2024). WTO Women's Empowerment and Financial Inclusion. *Global Trade and Customs Journal*, 19(2), 99-109. <https://doi.org/10.54648/GTCJ2024006>
- Bushra, A., & Wajiha, N. (2015), Assessing the socio-economic determinants of women empowerment in Pakistan. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 177(1), 3-8. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2015.02.321>
- Darji, M. D. (2025). Women and Digital Empowerment in India –The Role of Technology in Advancing Gender Equality Author. *Journal of East-West Thought*, 15(1), 32-38.
- Drioui, C., & Bakass, F. (2021), Gender inequalities and fertility in Morocco: Measuring women's empowerment and impact on the ideal number of children. *Journal of Population and Social Studies*, 29(1), 325-350. <https://doi.org/10.25133/JPSSv292021.021>
- Fallsolleyman, M., Mikaniki, J., Hajipour, M. & Rafiei, S. F. (2023). Studying the Effects of Women empowerment on the Evolution of Human Settlements (Case study: RFLDL Project Settlements in Sarayan County). *Journal of Research and Rural Planning*, 12(2), 37-54. <https://doi.org/10.22067/jrrp.v12i2.2208-1058> (In Persian)

- Gothwal, P., & Siwach, M. (2025). Feminism-based rural development in India: changing perspectives and way ahead. *Economic and Regional Studies*, 18(1), 94-107. <https://doi.org/10.2478/ers-2025-0009>
- Ghimire, P. R., Devkota, N., Maraseni, T., Khanal, G., Deuja, J., & Khaka, U. (2024). Does joint land ownership empower rural women socio-economically? Evidence from Eastern Nepal. *Land Use Policy*, 138(2), 1-12. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2024.107052>
- Ghezelbash, A., & Safa, L. (2024). Analyzing the Inhibitors to Rural Women's Economic Empowerment (The Case of Tarem County). *Iranian Agricultural Extension and Education Journal*, 20(1), 193-211. <https://doi.org/10.22034/iaeej.2024.419590.1762> (In Persian)
- Goldstein, L., Smith, A. M., Romagnoli, D., & Katergi, E. (2024). The effect of Transcendental Meditation on self-esteem, self-efficacy, and gratitude, for increasing empowerment of female youth in Uganda, *Health Care for Women International*, 45(12), 1311-1344. https://doi.org/10.1080/07399332.2024.2358789?urlappend=%3Futm_source%3DResearchgate.net%26utm_medium%3Darticle
- Güler, A., Bankston, K., & Smith, C. R. (2022). Self-esteem in the context of intimate partner violence: A concept analysis, *Nursing from and Independent Voice for Nursing*, 57(6), 1484-1490. <https://doi.org/10.1111/nuf.12798>
- Handoko, W., Marwah, S., & Ardhanariswari, R. (2012). Pembentukan Model Pemberdayaan Perempuan Nelayan di Daerah Tertinggal the Establishment of Empowerment Model of Fish Monger Women in Underdeveloped Village Masyarakat. *Journal unair Kebudayaan dan Politik*, 25(3), 195-201.
- Hibbs, L. (2022). I could do that!—The role of a women's non-governmental organisation in increasing women's psychological empowerment and civic participation in Wales. *In Women's Studies International Forum*, 90(1), 1-19. <https://doi.org/20.2026/j.wsif.2022.202557>
- Haque, S., Salman, M., Hasan, M. M., Prithi, A. A., & Hossain, M. E. (2024). Women's empowerment and its role in household food security to achieve SDGs: Empirical evidence from rural Bangladesh. *Sustainable Development*, 32(4), 4297-4324. <https://doi.org/10.1002/sd.2893>

- Hosseinpour Berenjabad, L. (2021). Analysis of effective factors on female empowerment (Case study: Industrial Management Institute). *Journal of Modern Research Approaches in Management and Accounting*, 5(17), 80-94. (In Persian)
- Hosseini, N. & Asghari, S. (2021). Analysis of Barriers and Limitations to Economic Empowerment of Rural Households (Case study: Central and Zebarkhan Districts in Neyshabur County). *Rural Development Strategies*, 8(1), 87-104. <https://doi.org/10.22048/rdsj.2021.266368.1907> (In Persian)
- Isran, S., & Isran, M. A. (2012). Status of women in Pakistan: A critical analysis. *JISR Management And Social Sciences & Economics*, 10(2), 85-99. <https://doi.org/10.31384/jisrmsse/2012.10.2.8>
- Jahanbin, R., Babaei Agdam, F., Rostaei, S. & Asghari Zamani, A. (2021). Analysis and Evaluation the Relationship between Gender Stereotypes and Empowerment of women in Poor Urban Areas (Case Study: Informal Settlements in Ilam). *Journal of Geography and Planning*, 25(77), 47-59. <https://doi.org/10.22034/gp.2021.10838> (In Persian)
- Jalali, Z., Etebarian Khorasgani, A., Shah Talebi Hosseinabadi, B., & Ebrahimzadeh Dastjerdi, R. (2024). An Analysis of Barriers to Women's Social Participation in Empowerment Programs. *Journal of Cultural Management*, 18(63), 69-80. (In Persian)
- Kabeer, N. (2002). Resources, agency, achievements: Reflections on the measurement of women's empowerment. *Development and Change*, 30(3), 435-464. <https://doi.org/10.1111/1467-7660.00125>
- Kabeer, N. (1999). *The conditions and consequences of choice: reflections on the measurement of women's empowerment*. Geneva: Unrisd.
- Kapoor, S. (2019). Entrepreneurship for economic and social empowerment of women: A case study of a Self-Help Credit Program in Nithari Village, Noida, India. *Australasian Accounting, Business and Finance Journal*, 13(2), 123-142. <https://doi.org/10.14453/aabfj.v13i2.8>
- Katsekpor, J. T., Adom-Asamoah, G., & Morgan, A. K. (2024). Economic empowerment among female shea actors: the case of Savelugu District Ghana. *Cogent Social Sciences*, 20(2), 2-20. <http://dx.doi.org/20.2080/23322886.2023.2299205>

- Karimivakil, A., Shafiabady, A., Farahbakhsh, K., & Younesi, J. (2018). Compilation a psychological empowerment program based on individual psychology theory and evaluation its effectiveness on female-headed household's empowerment's. *Women Studies*, 9(23), 135-167. (In Persian)
- Khedri, K., Yazdanpanah, M., Forouzani, M., & Baradaran, M. (2020). Explaining the Psychological Factors Affecting the Empowerment of Rural Women (The Case of Likak County). *Iranian Journal of Agricultural Economics and Development Research*, 51(2), 327-341. <https://doi.org/10.22059/ijaedr.2019.277790.668730> (In Persian)
- Kombe, M. V. (2023). Empowering Women in Rural India: Challenges and Pathways to Progress.
- Kumari, Q., Ghosh, S., & Rath, S. R. (2025). Empowering Rural Women Entrepreneurs: Insights from Bihar. *Indian Journal of Extension Education*, 61(2), 25-29. <https://doi.org/10.48165/IJEE.2025.61205>
- Kumar, A. (2023). Indian Women's Empowerment in The Twenty-First Century: Some Troubles and Barriers. *Journal of Pharmaceutical Negative Results*, 24(2), 330- 339. <https://doi.org/20.47750/pnr.2023.24.S02.42>
- Kuma, B., & Godana, A. (2023). Factors affecting rural women economic empowerment in Wolaita Ethiopia. *Cogent Economics & Finance*, 22(2), 2-28. <http://dx.doi.org/20.2080/23322039.2023.2235823>
- Lecoutere, E., Spielman, D. J., & Van Campenhout, B. (2023). Empowering women through targeting information or role models: Evidence from an experiment in agricultural extension in Uganda. *World Development*, 167(2), 1-13. <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2023.106240>
- Llorente-Alonso, M., García-Ael, C., & Topa, G. (2024). A meta-analysis of psychological empowerment: Antecedents, organizational outcomes, and moderating variables. *Current Psychology*, 43(2), 1759-1784.
- Malhotra, A., Schuler, S. R., & Boender, C. (2002). *Measuring women's empowerment as a variable in international development*, In background paper prepared for the World Bank Workshop on Poverty and Gender: New Perspectives. Washington, D.C: The World Bank. <https://doi.org/10.1037/E597202012-004>
- Menhas, R., Jabeen, N., Akhtar, S., & Yaqoob, M. (2013), Cultural barriers of female empowerment, *Afro Asian Journal of Anthropology and Social Policy*, 4(1), 1-10.

- Mousavi, F., Barekat, G., & Hosseiniur, M. (2021). Presenting an empowerment hybrid model for marginalized women. *Psychological Achievements*, 28(2), 137-156. <https://doi.org/10.22055/psy.2021.34768.2588> (In Persian)
- Movahedi, R., Haji Hashemi, Z., & Shahidi, N. (2019). Factors Influencing the Effectiveness of Rural Women's Empowerment Projects: The Case of Microcredit Cooperatives in Isfahan Province. *Journal Space Economy & Rural Development*, 8(27), 161-182. (In Persian)
- Nath, T. D., Rahman, M. S., Biswas, A., & Juice, R. A. (2024). Livestock farming and women empowerment in rural Bangladesh: a mixed method approach. *CABI Agriculture and Bioscience*, 5(86), 1-14. <https://doi.org/10.1186/s43170-024-00294-3>
- Norouzi, A., & Amini, F. (2025). Exploring Barriers to Rural Women's Entrepreneurship Development (Case Study: Baghbahadoran District of Isfahan Province). *Spatial Planning*, 15(4), 1-22. <https://doi.org/10.22108/sppl.2025.145203.1846> (In Persian)
- Obi, A. V. (2021). Overcoming socio-cultural barriers on economic empowerment of rural women through entrepreneurship in agriculture in South East State, Nigeria. *International Journal of Academic Research Economics and Management Sciences*, 6(4), 199-224. <http://dx.doi.org/10.6007/IJAREMS/v6-i4/5450>
- Ogbari, M. E., Folorunso, F., Simon-Ilogho, B., Adebayo, O., Olanrewaju, K., Efebudu, J., & Omoregbe, M. (2024). Social empowerment and its effect on poverty alleviation for sustainable development among women entrepreneurs in the Nigerian agricultural sector. *Sustainability*, 16(6), 1-19. <https://doi.org/10.3390/su16062225>
- Oliveira, M., Andrade, J. R., Ratten, V., & Santos, E. (2023). Psychological empowerment for the future of work: Evidence from Portugal, *Global Business and Organizational Excellence*, 42(5), 65-78. <https://doi.org/10.1002/joe.22194>
- Pande, S., Bhattarai, P. C., & Gautam, S. (2025). Factors affecting adolescent and youth girls' empowerment: a survey of selected areas of Rupandehi District. *International Journal of Adolescence and Youth*, 30(1), 1-19. <https://doi.org/10.1080/02673843.2025.2474038>
- Pattanshetty, S., & BV, S. M. (2025). Women Empowerment through Entrepreneurship: Challenges and Opportunities in Emerging Economies. *Journal of Engineering & Management*, 3(1), 297-304.

- Palash, M. S., Haque, A. M., Rahman, M. W., Nahiduzzaman, M., & Hossain, A. (2024). Economic well-being induced Women's empowerment: Evidence from coastal fishing communities of Bangladesh. *Heliyon*, 10(7), 1-12. <https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2024.e28743>
- Qanbari, Y., & Ansari, R. (2015). Identify and Explaining the Social and Economic Factors Affecting Rural Women Empowerment (Case Study: Rostam County). *Journal of Research and Rural Planning*, 4(3), 1-10. <https://doi.org/10.22067/jrrp.v4i3.22858> (In Persian)
- Qayyum, A., & Bashir, Z. (2022). Cultural Barriers in Women Empowerment in the Rural Areas of Faisalabad. *Siazga Research Journal*, 1(1), 20-27. <https://doi.org/10.58341/srj.v1i1.4>
- Saluja, O. B., Singh, P., & Kumar, H. (2023). Barriers and interventions on the way to empower women through financial inclusion: A 2 decades' systematic review (2000–2020). *Humanities and Social Sciences Communications*, 10(1), 1-14. <http://dx.doi.org/10.1057/s41599-023-01640-y>
- Sarker, T., Roy, R., Yeasmin, S., & Asaduzzaman, M. (2024). Enhancing women's empowerment as an effective strategy to improve food security in rural Bangladesh: A pathway to achieving SDG-2. *Frontiers in Sustainable Food Systems*, 8(3), 1-13. <https://doi.org/10.3389/fsufs.2024.1436949>
- Sell, M., & Minot, N. (2018). What factors explain women's empowerment? decision-making among small-scale farmers in Uganda. In *Women's Studies International Forum*, 71(1), 46-55. <http://dx.doi.org/10.1016/j.wsif.2018.09.005>
- Shohel, T. A., Niner, S., & Gunawardana, S. (2021). How the persistence of patriarchy undermines the financial empowerment of women microfinance borrowers? Evidence from a southern sub-district of Bangladesh. *PLOS One*, 16(4), 1-21. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0250000>
- Showkat, M., Nagina, R., Baba, M. A., & Yahya, A. T. (2025). The impact of financial literacy on women's economic empowerment: exploring the mediating role of digital financial services. *Cogent Economics & Finance*, 13(1), 1-22. <https://doi.org/10.1080/23322039.2024.2440444>

- Sharma, K. R. S., & Vidyashree, D. P., & Prathap, B. N. (2025). The Impact of Financial Literacy on Women's Economic Empowerment in India. *Journal of Engineering & Management*, 3(2), 289-296.
- Tabassum, M., Begum, N., Rana, M. S., Faruk, M. O., & Miah, M. M. (2019). Factors influencing Women's empowerment in Bangladesh. *Sci Technol Public Policy*, 3(1), 1-7. <https://doi.org/10.11648/j.stpp.20190301.11>
- Tizchang, M., Naghizadeh, Z., Mahdavi, H., & Shahvali, R. (2024). Meta-Analysis of Women's Economic Empowerment Studies and the social-cultural Implications in iran. *Quarterly Journal of Socio-Cultural Development Studies*, 12(3), 9-36. (In Persian). <http://dx.doi.org/10.61186/scds.12.3.9>
- Tiwari, P., & Malati, N. (2023). Role of training in women empowerment: an empirical analysis: women empowerment. *Journal of Technical Education and Training*, 15(1), 234-245. <https://doi.org/10.30880/jtet.2023.15.01.020>
- UN Women. (2023). Progress on the Sustainable Development Goals: The Gender Snapshot 2023. UN Women and UN DESA.
- Woyo, E., Venganai, H., & Benhura, A. (2025). Empowering the unseen: the agency of women with disabilities in tackling poverty across rural and urban landscapes. *Disability & Society*, 40(10), 2703-2729. <https://doi.org/10.1080/09687599.2025.2450536>
- Wuryan, S., Ghofur, R. A., Jafar, M. M., Sanjaya, S., & Setiawati, R. (2025). Women's empowerment model in increasing economic independence at the community work training center (BLKK) of Lampung Province. *Journal of Community Service and Empowerment*, 6(1), 58-73. <https://doi.org/10.22219/jcse.v6i1.38005>
- Zafarinasab, M., Golzari, Z., Nourian, M. & Razavi, S. (2023). Identification and Explanation of the Dimensions and Components of Rural Women's Empowerment in Lorestan Province Using Mixed Methods Research. *Village and Development*, 26(2), 227-254. <https://doi.org/10.30490/rvt.2023.359143.1467> (In Persian)